

تظاهرات ضد حکومتی بار دیگر مناطقی از تهران را در بر گرفت

✱ در جوادیه، کیان شهر و دو منطقه در شمال تهران تظاهراتی بوقوع پیوست

تعداد بسیاری از اهالی این شهرک به اتمام معاملات فیرقانونی و اعمال خلاف قانون دستگیر شده اند.

همچنین در روز یکشنبه ۲۶ فروردین در خیابان ولیعصر، بویژه اطراف پارک ملت تظاهرات علیه حکومت برپا شد که مورد هجوم نیروهای کمیته قرار گرفت. بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه به دنبال حمله مامورین کمیته ۶۵ نفر دستگیر شدند. روزنامه های رژیم این واقعه را نیز بازتاب داده و آن را سواستفاده تعدادی جوان شرور از حضور جمعیت در پارک های اطراف خیابان ولیعصر قلمداد کردند.

بنا بر گزارش های موجود در برخی مناطق دیگر تهران نیز تظاهرات و ناآرامی های پراکنده ای بوقوع پیوسته است.

کشته شده بود، توصیف کردند. خبرگزاری فرانسه نیز در گزارشی از این تظاهرات انتشار داده است. براساس این گزارش، تظاهرات مورد حمله مامورین انتظامی رژیم قرار گرفته است این مداخله به زدو خورد بین تظاهرکنندگان و مامورین انجامیده و جمع کثیری زخمی و دستگیر شده اند. این زدو خوردها بیش از دو ساعت ادامه داشته است.

حمله مامورین رژیم برای خانه خراب کردن سر پناه جمعی از مردم کیان شهر به بهانه ساختمان فیرقانونی، عامل درگیری و تظاهرات ضدحکومت دیگری در این شهرک بوده است. روزنامه های جمهوری اسلامی تعداد آونک هایی که می بایست تخریب شود را ۱۰۰ ذکر کرده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه

جوادیه به اشکال مختلف، مراسمی در بزرگداشت عارف والی زاده که روز ۲۰ فروردین هدف گلوله مامورین قرار گرفته و کشته شده بود، برگزار می کردند. در اجتماع های که در شب هفت کشته شدن او و به بهانه مراسم ۱۹ ماه رمضان ترتیب داده شده بود، شرکت کنندگان به تظاهرات علیه حکومت پرداختند. این تظاهرات بقدری گسترده بود که حتی روزنامه های رژیم نیز مجبور به بازتاب آن شدند و نوشتند که در جوادیه هنگام تشییع جنازه بدون اجازه ناآرامی هایی به وقوع پیوست.

روزنامه های مزبور نام وی را عارف ترکه ذکر کرده و او را فرد شرووری که بر اثر تیراندازی پلیس

بار دیگر شهر تهران شاهد بروز تظاهرات ضد حکومتی مردم و درگیری آنها با نیروهای انتظامی رژیم بود. محله جوادیه تهران یکی از کانون های اصلی دور اخیر حرکات اعتراضی مردم بود. این اعتراضات به دنبال کشته شدن یکی از جوانان شناخته شده محله به نام عارف والی زاده توسط مامورین رژیم اوج گرفت. مردم محله



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دو شنبه ۱۳ آذر دیهشت ۱۳۶۹ - ۲۳ آوریل ۱۹۹۰
بهاء ۶۰۰ ریال سال هفتم شماره ۳۰۱

تلاش عراق برای ساختن بزرگترین توپ جنگی جهان

می شد، بزرگترین توپ جنگی جهان به عراق تعلق می گرفت. این توپ بزرگ سی الی چهل متری می توانست کلاهک های اتمی یا شیمیایی را به فواصل دور دست پرتاب کند. سابقه چنین پروژه های، به دهه ۶۰ در آمریکا برمی گردد. ایالات متحده در آن زمان می خواست بایک توپ بزرگ، مأمورهایی به مدار زمین بفرستد. در صورت موفقیت عراق در ساختن چنین سلاحهایی، هم تهران و هم تل آویو در تیررس آن قرار می گرفتند.

بقیه در صفحه ۳

وزیر تجارت و صنایع بریتانیا در پارلمان این کشور اعلام کرد برخلاف ادعای شرکت صادر کننده، محموله ای که ماموران گمرک انگلیس جلوی ارسال آن را به عراق گرفتند، نه یک لوله برای یک کارخانه پتروشیمی، بلکه لوله یک توپ عظیم دوربرد بوده است. این مقام بریتانیایی تأیید کرد که میان این محموله و جرال د بول، مهندس آمریکایی، که ماه گذشته در بروکسل به قتل رسید، رابطه ای وجود داشته است. گفته می شود قتل بول توسط ماموران اسرائیل صورت گرفت. بول طرح یک توپ عظیم را کشیده بود که قطر دهنه لوله آن به یک متر می رسید. وی برای دولت عراق کار می کرد و اگر طرح عملی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت تظاهرات ضد حکومتی در تهران

در صفحه ۲

یادرفیق بیژن جزنی و همزمانش گرامی باد!

در صفحه ۲

نظام اقتصادی کشور، شوندر "مجارب و مفسدفی الارض" شناخته شده و مطابق قوانین اسلامی مجازات خواهند شد. موارد اخلال در نظام اقتصادی کشور در طرح مذکور چنین تعریف شده اند:

- اخلال در نظام پولی و ارزی، و قاچاق ثروت های همده کشور به خارج
- اخلال در توزیع مایحتاج عمومی از قبیل احتکار و گرانفروشی و یا پیش خرید تولیدات کشاورزی و سایر نیازمندی های عامه مردم بمنظور ایجاد انحصار در عرضه آن ها

- اخلال در نظام تولیدی کشور - هرگونه فعالیت اقتصادی مخرب که موجب ناامنی اقتصادی و بی اعتمادی مردم به نظام اسلامی و یا اخلال در برنامه های دولتی و یا سلطه اجانب بر بازار و مقدرات اقتصادی مسلمین گردد. طرح همچنین مجازات های سنگینی را برای مواردی که در حد محاربه و انساد، نباشد، تعیین کرده است.

چنان که گذشت، این طرح ابتکار جناح افزایشی حکومت است. این جناح پیش از این مقدمات ارائه آن را به مجلس فراهم آورده بود. در متن مجموعه مخالفت های این جناح با مواضع جناح موسوم به رسالت و نیز با سیاست های اقتصادی رنسنجانی که متوجه "احیاء" اقتصاد ورشکسته ایران خاصه از طریق جلب کمک های قرب و گسترش فضای فعالیت برای سرمایه است، در زمینه مبارزه با تروریسم اقتصادی ابتدا تبلیغات وسیع، پرصدا و مدیدی توسط جناح مذکور علیه شرکت های مضاربه ای برآه انداخته شد. در واکنش نسبت به این تبلیغات بود که یزدی، رئیس قوه قضائیه اعلام کرد قانونی که با استناد به آن بتوان

ارائه طرح "مفسد فی الارض" شناختن تروریستهای اقتصادی به مجلس

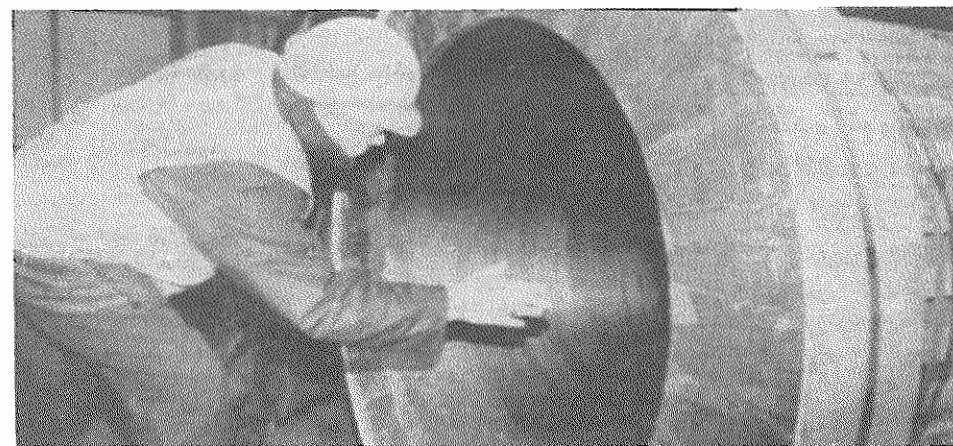
اقتصادی" را تصویب کرد. این طرح توسط نمایندگان جناح افزایشی حکومت، موسوم به جناح محتشمی، که در مجلس اکثریت را دارد تنظیم شده و در همان جلسه به مجلس ارائه شده بود. به موجب این طرح اشخاصی که "مخل

تصویب فوریت طرح مبارزه با تروریست های اقتصادی در مجلس روز یکشنبه ۱۹ فروردین امسال، مجلس شورای اسلامی در نخستین جلسه علنی خود در سال جدید، یک فوریتی بودن طرح "مبارزه با تروریست های

گسترش درگیری های نظامی بین جنبش امل و حزب الله لبنان

اسلامی ایران را مسئول این ترور معرفی کرده است. به گفته سخنگوی جنبش امل، تروریست ها بقیه در صفحه ۲

بیروت صورت گرفت، درگیری های متعددی بین جنبش امل و حزب الله لبنان به وقوع پیوست. جنبش امل رژیم جمهوری



لوله های فولادی که رژیم عراق قصد داشت تحت عنوان لوله انتقال مواد پتروشیمی به کشور خود ارسال دارد این لوله ها ۴۰ متر طول دارند، ثابت شده است که رژیم عراق ساخت توپی که بتواند کلاهک های اتمی و شیمیایی را تا مسافت های بسیار دور پرتاب کند، هدف داشته است.

آشفته بازار

"مارک خریداریم...؟" "پهلوی، آزادی، مارک، دلار، پوند، خرید و فروش" "کوپن باطله می خریم... اینجا سبزه میدان است. روبروی بانک ملی، جلوی دهنه اصلی بازار. داخل بازار، ثروتی خوابیده است. زرق و برق طلا و جواهر فروشی ها، چشم را خیره می کند. طلا و جواهر، روی بورس است. می خرند و می خرند. این همه پول از کجا آمده است؟ درون بازار، جلوتر که می روی، فرش فروشی ها را می بینی. با همه لطماتی که صنعت و تجارت فرش خورده است، انبوه ثروتی که اینجا هم هست، شگفت آور است. زیر حمیره ها و سرها، یک سره انبار است. فرش روی فرش انداخته اند. صدتا، دویست تا، هزار تا، سر به میلیاردها می زند. آن هم نه ریال و تومان. میلیاردها دلار، دلار، واحد پول فیررسمی ایران است. این کشور، هنوز ثروتمند است. از انبارهای پر از اجناس و انبوه طلا و جواهر و دسته های اسکناسی که حتی جیب دلال های



هکس فغان و ضجه دوستان و بستگان ۱۵ معلم و دانش آموز را که بر اثر اصابت گلوله توپ در بخش شرقی بیروت کشته شده اند، نشان می دهد.

بقیه در صفحه ۲

یادرفیق بیژن جزینی و هم‌زمانش گرامی باد!



سیام فروردین امسال پانزدهمین سالگرد شهادت رفیق بیژن جزینی به‌مراه ۸ تن دیگر از زندانیان سیاسی - ۶ تن از فدائیان و دو تن از مجامدین - است. در سمرگاه ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ فدائیان خلق رفا بیژن جزینی، حسن ضیاء ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سمرمدی، عباس سورکی، محمد چوپانزاده و احمد جلیل‌انشار از رهبران و بنیان‌گذاران سازمان و مجامدین خلق مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار، در تبه‌های مشرف به زندان اوین، قربانی جنایت هولناک مامورین ساواک رژیم مستشامی شدند. جزینی و هم‌زمانش در آن زمان سال‌های آخر محکومیت ده‌ساله خود را می‌گذراندند. نزدیک به ده‌سال تجربه زندان، از آنان، بویژه از جزینی که به سنین نوجوانی پایه مبارزه گذاشته و از همان آغاز قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده بود رهبرانی فهمی، سخت‌پیمان و منصف ساخته بود که می‌توانستند در بیرون از زندان و در شرایط انقلابی نقشی ماندگار نه فقط در حرکت فدائیان خلق بلکه در جنبش ترقیخواهانه مردم ایران به‌همه گیرند. جزینی نشان داده بود که برای پی‌ریزی و هدایت نظری و حتی عملی یک سازمان رزمنده - فراتر از آن: یک جنبش - زندان مانعی غیرقابل عبور نیست. ساواک شاه کردار و موقعیت جزینی و دیگر هم‌زمانش را که به روشنی بر هم‌زمان برای تداوم مبارزه و قابلیتشان برای این مهم گواهی می‌داد تاب نیاورد و آنان را در تبه‌های اوین بقتل رساند و بدروغ ادعا کرد که آنان بندگان فرار از زندان کشته شده‌اند.

رفیق جزینی از بنیانگذاران و رهبران طراز نخست جنبش فدایی و دارای نقشی بی‌بدیل در این جنبش بوده است. اما او بر جنبش انقلابی میهنان تأثیری فراتر از این چارچوب نیز باقی گذاشته است. زندگی و مرگ حماسی او و اثرات آن‌ها تنها در چارچوب جنبش فدایی و بر فعالیت عملی انقلابی محصور نمی‌شود و این مرد او را در طراز رفیع‌تری، در میان چهره‌های درخشان تاریخ مردمان قرار می‌دهد. مایادین رهبر بزرگمان را پاس می‌داریم و از شجاعت و تمرک نظری و عملی او درس می‌گیریم.

بازنگری در تمامی وجوه کردارها و باورهای پیشین خویش، که کمونیست‌ها امروزه در کار آتند، قطعاً ارزشگذاری دوباره رهبران را نیز شامل می‌شود و باید هم که شامل شود. طبعاً رفیق جزینی نیز از خطا مصون نبود. بر سکوی امروز، دیدن خطاهای او ابداً دشوار نیست. اما در نگاهی دوباره به سیمای جامع او، ما باز همان ارزش‌های سترگی را می‌یابیم که با نام یک انسان ایجادگر، متعالی و فریخته، با نام یک کمونیست راستین، هجین‌اند. یادش گرامی باد.

امضای یادداشت تفاهم ۱۳ میلیارد دلاری با ایتالیا

روز ۱۷ فروردین اعلام شد که در جریان سفر هیات اقتصادی ایران به ایتالیا یک توافقنامه اقتصادی به امضا رسیده است این توافقنامه در دومین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور حاصل شد، حجمی معادل ۱۳ میلیارد دلار را شامل می‌شود. چارچوب زمانی آن تا پایان برنامه پنج‌ساله در نظر گرفته شده است. این مبلغ ده درصد بودجه پیش‌بینی شده برنامه پنج‌ساله را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب ایتالیا پس از ژاپن مهم‌ترین طرف اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد بود. هرصه‌های این توافقنامه، صنایع ذوب فلزات، استخراج معادن، خودروسازی، ماشین‌آلات صنعتی و کشاورزی و انرژی قید شده است. امضاء توافقنامه مزبور و مبلغ بسیار بالای آن نشانگر این است که بر سر دو اختلاف دیرینه جمهوری اسلامی و شرکت‌ها و دولت ایتالیا توافق صورت گرفته است یکی از مسائل مورد اختلاف شرکت ایتالیایی ایتالسات با خاطر کارهای انجام یافته توسط این شرکت در بندر عباس پیش از انقلاب است. هیات

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت تظاهرات ضد حکومتی در تهران

مواطنان آزاده!

اعتراضات و تظاهرات چندروز گذشته از این روخ می‌دهد که سران حکومت در فکر مردم و کشور مانیتند، آنها قبل از هر چیزی در فکر حفظ حکومت خود هستند و به خاطر آن به هر جنایتی دست می‌زنند، آنها تا کنون هزاران ایرانی آزاده را در زندان‌ها به قتل رسانده‌اند، آنها با ادامه دادن به جنگ به خاطر اهداف ارتجاعی خود، بیش از ۷۰۰ هزار نفر از ایرانیان را کشته، معلول و یا محقودالانرا و بیش از یک میلیون نفر را آواره کرده‌اند، بر اثر جنگ ۸ استان کشور ویران شده است. در اثر ادامه حکومت فقعا تا امروز چند میلیون نفر از مواطنان ما گرفتار بلاي خانمانسوز اعتماد شده‌اند. میلیونها نفر دیگر از داشتن کار و مسکن محروم مانده‌اند. میلیونها نفر وطن خود را اجباراً ترک کرده‌اند. اقتصاد کشور فلج و خفقان بر سراسر ایران حاکم شده است. مسئولیت تمام این جنایات و ویرانگری‌ها بر عهده سران حکومت است. آنها فاند هرگونه صلاحیت برای اداره کشورند. آنها با اعمال خود نشان داده‌اند که با ایران بیگانه و با مردم آن دشمن هستند.

سران رژیم بدانند که با سرکوب صدای خلق جان به لب رسیده، جز مرگ و نیستی و نگرین تاریخ، هیچ آینده‌ای برای خود رقم نخواهند زد. اینان که امروز گوششان از شنیدن صدای اعتراض مردم هاجز مانده، فردا، زمانی که این اعتراض به انقلابی دیگر فراروئید، دیر خواهد بود که بگویند صدای انقلاب شمارا شنیدیم

مواطنان! مودر برابر اینان که جز با زبان سرکوب و کشتار با مردم خود حرفی ندارند، باید که متحد شویم؛ باید که دست در دست هم اعتراض را به تعرض کثانیم تا بر گور ننگ و نفرت ولایت فقیه، بهار آزادی را بار دیگر در آفوش گیریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۸ فروردین ۱۳۶۹

مواطنان! روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۹ بار دیگر مواطنان مبارز تهرانی در اعتراض به جنایات سران رژیم و ناتوانی آنها در بهبودبخشیدن به وضع زندگی به خیابان‌ها ریخته و تظاهرات برپا کردند. سران رژیم این بار هم به سپاه و کمیته‌ها دستور دادند که علیه تظاهرکنندگان به زور متوسل شوند. خبرهای رسیده حاکی است که نیروهای ارتجاعی سپاه و کمیته در مقابله با تظاهرات مردم به تیراندازی متوسل شده و تعداد بسیاری را با ز داشت کرده‌اند. از جمله خبر رسیده است که تعداد جریان سرکوب تظاهرات مردم در پارک ملت در شمال تهران بیش از ۶۵ نفر با ز داشت شده و به سپاه چالغای رژیم افکنده شده‌اند. علاوه بر آن خبر می‌رسد که در جریان مراسم ماه رمضان تظاهرات متعددی در اعتراض به هیئت حاکمه صورت گرفته است و در مناطق مختلف جنوب و حاشیه تهران و از جمله در جوادیه و کیانشهر مردم به اعتراض برخاسته و با مامورین رژیم به زور و خوردها داشته‌اند.

این تظاهرات زمانی صورت می‌گیرد که چند روز پیش‌تر از آن بین نیروهای سرکوب رژیم و مخالفین حکومت در بلوچستان نبرد مسلحانه شدیدی بوقوع پیوست. طی این درگیری، بنا به اعتراضات مقامات رژیم، حداقل ۱۸ نفر قربانی وحشیگری‌های سپاه و کمیته شده‌اند. گرچه رژیم هیچگاه ارقام واقعی جنایات خود را منتشر نمی‌کند، اما همین رقم اعلام شده قربانیان حادثه خونین بلوچستان موی‌دان است که این درگیری سنگین‌ترین رویارویی مسلحانه حکومت در ماههای اخیر در این منطقه بوده است.

نارضایتی و نفرت عمیق مردم از سران حکومت علت اصلی روحیه مبارزه‌جویی آنان است. این حوادث یک بار دیگر اثبات کرد که برخلاف تصمیحات پوچ دولت رفسنجانی وضعیت زندگی مردم وخیم‌تر شده و کاسه صبر آنان از جنایت‌آمیزی، فساد، زورگوئی و وهده‌های دروغین مسئولان و از وضعیت طّیّر قابل تحمل معیشتی خود لبریز شده است. مردم در رویارویی آشکار با رژیم و نیروهای سرکوب آن استوارتر شده‌اند.

ارائه طرح "مفسد فی الارض" شناختن "تروریستهای اقتصادی" به مجلس

بته از صفحه اول تروریست‌های اقتصادی را تحت تعقیب قرار داد وجود ندارد و اساساً تروریست اقتصادی در قانون تعریف نشده است. بالاخره گروهی، رئیس مجلس، در مراسم روز جمهوری اسلامی (۱۴ فروردین) اقدام تروریست‌های اقتصادی را پیشنهاد کرد و در اولین جلسه مجلس پس از مراسم مذکور، طرحی در این باره ارائه شد.

سفنان پیش از دستور نمایندگانی که در همان جلسه مجلس در لزوم چنین طرحی سخن گفتند بروشنی درگیری‌های درون جناح‌های حکومتی و روندی را که در انتمایش فعلاً این طرح ارائه شده است، منعکس می‌کرد. فخرالدین حجازی اولین سخنران پیش از دستور جلسه، به اظهاریه یزدی دایر بر بی‌مفهوم بودن "تروریست‌های اقتصادی" در قانون پاسخ گفت و تأکید کرد که "قوانینی وجود دارند که با استناد به آن‌ها بتوان عناصر سرمایه‌دار و تروریست‌های اقتصادی را تحت تعقیب قرار داد". نماینده امر نیز ابتدا شورای نگهبان را چنین زیر حمله کشید: "شورای محترم نگهبان در محدوده فلات اربعه گیر کرده و در دادن جواب برای مشکل سبب‌زمینی و برنج و ارز و لوازم یدکی و سایر مایحتاج طبقه محروم این جامعه... این دست و آن دست می‌کند. به این آقایان می‌خواهم عرض کنم آیا در مسائل سیاسی هم این قدر وسواس دارید؟"

اینک با ارائه طرح به مجلس و تصویب یک فوریتی آن، جنگ جناح‌ها بر سر "مبارزه با تروریسم اقتصادی" مرحله کشمکش‌های مطبوعاتی و نماز جمعه‌ای را پشت سر گذاشته و به مرحله‌ای "قانونی" پناهاده است. بنا به اطلاع خبرگزاری فرانسه

خون دیگری است که آنان برای جامعه مادر سردارند.

نه ادعای جناح افراطی برای "تأمین ثبات اقتصادی" و "مبارزه با فقر" ادعای درستی است و با تصویب چنین طرحی متحقق خواهد شد و نه مخالفت جناح‌های دیگر با این طرح مبنی بر شناسایی و خواست رسیدن به ثبات اقتصادی مبتنی بر کاهش دردها و محرومیت‌های مردم است. ماحصل توازن قوای جناح‌های حکومتی اگر به "موقعیت پات" بر سر تصویب این قانون نیانجامد، قانونی را به بار خواهد آورد که بدون کاهش دامنه چپاول در اقتصاد کشور، تنها به بی‌ثباتی آن دامن می‌زند.

گسترش درگیری‌های نظامی بین جنبش‌های و حزب الله لبنان

بته از صفحه اول بعد از سوئد به محل ساختن انجمن فرهنگی ایران که در ۵۰۰ متری محل سوئد واقع شده است، گریخته‌اند، همین سخنگو گفته است که ترور کنندگان از سفارتخانه جمهوری اسلامی خارج شده‌اند.

جمهوری اسلامی این اتمام را تکذیب کرده و ترور هلی ابوحسن را به اسرائیل نسبت داده است.

طی درگیری‌های انجام یافته، تاکنون ده‌ها نفر در بخش شرقی بیروت کشته شده‌اند. روز سه‌شنبه ۱۷ آوریل نیروهای سوری برای پایان دادن به این درگیری‌ها به بخش شیعه نشین بیروت حمله کردند. هم‌زمان با این درگیری‌ها بخش مسیحی نشین شهر بیروت نیز صحنه درگیری‌های خونینی بین جناح‌های رقیب مسیحی است در این نبردها از توپخانه سنگین نیز استفاده می‌شود.

شرایط دریافت "ارز خدماتی" توسط دانشجویان خارج کشور

اداره کل امور دانشجویان خارج از کشور وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی اطلاعیه‌ای شرایط و مدارک لازم برای دریافت ارز خدماتی توسط دانشجویان گروه‌های تمصیلی غیر پزشکی را اعلام کرد در این اطلاعیه آمده است:

- ۱- مدارک لازم برای نظام سالیانه:
- ۱- اصل برگ اشتغال به تحصیل مربوط به سال تمصیلی ۹۰-۸۹ با تأیید نمایندگی
- ۲- اصل ریز نمرات دروس یا واحدهای گذرانده یا گواهی قبولی در سال ۸۹-۸۸ با تأیید نمایندگی
- ۳- تصویر صفحات گذرنامه با تأیید نمایندگی
- ۴- تصویر مدرک نظام وظیفه در صورتیکه دانشجوی دارای معافیت تحصیلی باشد، مورد توسط ولی دانشجو کتبا اعلام شود.

در اطلاعیه مزبور مواردیک و دو مربوط به نظام‌های ترمی (سیمستری و کوارتری) چنین آمده است:

- ۱- اصل برگ اشتغال به تحصیل ترم پائیز ۸۹ و در کشورهای آلمانی زبان زمستان ۹۰-۸۹ با تأیید نمایندگی
- ۲- اصل ریز نمرات ترم‌های پائیز ۸۸ و بهار ۸۹ برای نظام‌های سیمستری و پائیز ۸۸ و زمستان ۸۹ و بهار ۸۹ برای سیستم‌های کوارتری و در کشورهای آلمانی زبان ریز نمرات یا شاین‌های گذرانده زمستان ۸۹ - ۸۸ و تابستان ۸۹ با تأیید نمایندگی.
- در پایان اطلاعیه قید شده است که ارز خدماتی به دانشجویانیکه در حال حاضر کارنامه ارز تمصیلی دریافت می‌کنند، تعلق نمی‌گیرد و دانشجویانیکه هرکدام از مدارک فوق را برای ارز خدماتی سال ۶۸ ارسال داشته‌اند، نیازی به ارسال مجدد آن برای سال جاری ندارند.

بته از صفحه اول

است. چرا، استثنا هم هست. توی راهروی ادارات که می‌گذری، خیلی‌ها اگر اتفاقاً مشغول معاملات تلفنی نباشند، توی اتاق‌ها مگس می‌پرانند. هر از چندی، چرتشان را ارباب رجوع همجول و آشفته، پاره می‌کند. ارباب رجوعی که در اتاق شماره فلان، هفت - هشت شماره به دستش داده‌اند. شماره اتاقهایی است که باید یکی پس از دیگری به آنها مراجعه کند. یک جا امضا، یک جا مهر، یک جا شماره، یک جا...

اما کار هست. هیچ کس بیکار نمی‌ماند. فقط باید بخواهی. خدا روزی رسان است. از تو حرکت، از او برکت. بدو تا چیزی گیرت بیاید. اسکاس دلار را که می‌گیرد، می‌بوسد و پیشانی اش را با آن تماس می‌دهد. انگار که قرآن است. دشت کرده است. بایک نرخ خوب، دلار گیرش آمده و می‌داند که به این ترتیب، برای امروز، حداقل هزار تومان سود کرده است. حالا وقت صبحانه است. آخرین روزهای قیل از رمضان را باید به خوشی گذرانند. از چهار راه اسلامبول که کمی به سمت شرق بروی، یک قهوه‌خانه هست. پاتوق ارز فروش‌ها و ارز بخرها. "داداش، چند وقته کارت اینه؟" به نظر، بالای پنجاه سال دارد. اما کسی چه می‌داند، شاید بدبختی‌های روزگار به این ریختش انداخته است. "از موقعی که پول باز خرید ایران ناسیونال تمام شده، آدمم اینجا بیست هزار تایی را اخراج کردند." از کار فعلی‌اش گویی خجالت می‌کشد، سعی می‌کند

عملش را توجیه کند. با همه بدبختی، هنوز چیزی دارد که شاید نامش شرافت کارگری باشد. "آقا، ما که این کاره نیستیم. ما نمی‌خواستیم این طوری بشود. مسئول انبار فولاد بودم. به من حسابی وارد شده بودم. به من سیصد هزار تومان برای باز خرید دادند. خودم و زنم و شش دخترم، این پول را خوردیم تا تمام شد. بعد آدمم اینجا. اما این که کار نیست. خدا ذلیل کند کسی را که ما را به این روز انداخت. اصلاً امنیت نیست. همین شب هیدی یکی از ما را بردند و پولش را زدند. خودش را کشتند و جسدش را انداختند توی بیابان. باید خیلی مواظب باشیم." اما می‌گوید بمحمدالله در آمدش بد نیست. بالاخره هفت سر هائله را اداره می‌کند. جل‌الخالی!

"همه چیز هست، اما کمی گران است." از جملات مفسح خمینی در تهران آخرین روزهای ۱۳۶۸ و اولین روزهای ۱۳۶۹ به نظر می‌رسد این جمله، بایک اصطلاح کوچک، درست از کار در آمده است. "همه چیز هست، اما خیلی گران است." این روزها چشم‌مان به جمال موز چیکیتا هم روشن شد. دیگر این موزهای کوچولوی سیاه و کج و معوج، در مقابل چیکیتا جلوه‌ای ندارد. چه قامت رهنایی! چه رنگ زرد درخشانی! چه کارتهای تمیزی! چی - کی - تا... کیلویی چهارصد تومان بخر و ببر. بنرها و بام - سو - ها و پاترول‌های تر و تمیز که برای روزهای هید از گاراژها بیرون آمده‌اند، کنار بزرگراه وانت موز را که می‌بینند، ترمز می‌کنند و می‌خرند. چقدر می‌خرند! چقدر پول دارند! اما از طرف دیگر، چشمه لایزال چیکیتا هم خشک شدنی نیست. چقدر، چه کسی و از کجا وارد کرده، معلوم نیست. مهم هم نیست. توفقط بخر و ببر. جلوی تصایب‌ها، گوشت آویزان کرده‌اند. جلوی نانویی‌ها،

کیسه‌های آرد را روی هم چیده‌اند. فراوانی. قیمت‌ها کجاکان کم‌رشدن است، اما به نسبت یک سال پیش، خیلی بالا نرفته است. قیمت مواد غذایی، چقدر ظرف یک سال بالا رفته است؟ ۱۰ درصد، ۲۰ درصد؟ معلوم نیست. دائم در حال نوسان است. بعضی چیزها ثابت مانده و بعضی حتی ارزان تر هم شده است.

پس "دولت کار؟" رفسنجانی موفق بوده است؟ خودش دوست دارد چنین بگوید. اگر خیار کیلویی ۵۰ تومان و سیب زمینی کیلویی ۶۰ تومان و گوشت کیلویی ۴۵۰ تومان و مرغ کیلویی ۱۵۰ تومان و دستمال کاغذی جعبه‌ای ۱۰۰ تومان و پیراهن مردانه ۴ هزار تومانی را موفقیت بدانیم، آقای رفسنجانی راست می‌گوید.

چند ماه یک و نیم تا دو برابر شد. در حال حاضر تب معاملات مسکن تهران را فرا گرفته است. زمین‌ها و خانه‌های کلنگی دست به دست می‌گردند و قیمت آن مرتب افزایش می‌یابد. در هر گوشه‌ای از شهر، عملیات ساختمانی می‌بینی. هیچ کوچهای نیست که در آن واحد در آن مشغول ساختن یکی دو ساختمان (حداقل) نباشد. خریدن خانه کلنگی و کوبیدن و درآوردن چند آپارتمان از آن، سود کلانی دارد. این باعث شده که هم قیمت خانه‌های کلنگی بالا رود و هم این نوع ملک دایره بیشتری را در برگیرد. دیگر ساختمانهای ۱۰ - ۱۵ ساله را هم صرفاً بدین دلیل که می‌توان به جای آنها تعداد بیشتری ساخت و فروخت، کلنگی حساب می‌کنند.

تا ۲/۵ درصد بهره نمی‌دهد. یعنی به ازای سه میلیون تومان، ماهی ۷۵ هزار تومان خوب، شاید بگویید تق شرکت‌های مضاربه‌ای درآمده و دیگر به آنها اطمینانی نیست. اما ماجرای مضاربه که به این شرکتها محدود نیست. این شرکتها به هلت بزرگ بودن و دست داشتن در جاهای حساس و نوع معاملات ارزی - ریالی که انجام می‌دادند، قادر بودند سود سالانه هنگفتی به سپرده گذاران بدهند (در مورد "سحر و الیکا" تا حدود ۴۰ - ۵۰ درصد). اما اگر هم فعلاً به آنها اطمینان چندانی نیست، آن شرایط اقتصادی که اجازه چنین مضاربه‌های محیرالعقولی می‌داد، پابرجاست و هیچ نشانه‌ای از تغییر آن هم نیست. یک آدم خیلی معمولی و نسبتاً بی‌دست و پا هم می‌تواند حداقل سالی ۲۰ - ۳۰ درصد از سرمایه، سود بسازد. کافی است بدانیم که امروز چی روی بورس است، گرایش به چه سمتی است، یک کمی جرات ریسک داشته باشی و شروع کنی...

از بازسازی خبری نیست. ایام عید با سلام و صلوات اعلام کردند و هزار خانوار به آبادان برگشته‌اند که این رقم، در برابر جمعیت تقریباً یک میلیونی آبادان پیش از جنگ، چیزی نیست. مذاکرات صلح

آشفته بازار



بی سرانجام مانده، گره‌های روابط ایران با غرب ناگشوده و خلاصه همه عوامل دست به دست هم داده‌اند تا نگذارند تکانی که برای بازسازی و بهبود وضع اقتصادی باید از جمله با کمک خارجی‌ها ایجاد می‌شد، صورت بگیرد. شاید در هیچ کشوری مانند ایران گره خوردن وضعیت اقتصادی به شرایط سیاسی تا این حد میان آشکار نباشد. هیچ کس به این حکومت اعتماد ندارد. نه کشورهای دیگر، نه مردم ایران و نه حتی بازار. در همین روزهای آخر، بی‌سامانی در دستگاه حکومت در رابطه با تصمیمات اقتصادی، جلوه بارزی یافت. در حالیکه سالهاست نقل و انتقالات پولی از طریق حسابهای ارزی بانکها و گذرنامه مسافرین آزاد است و چندماه پیش حتی بدون ثبت در گذرنامه نیز هر مسافر اجازه یافت تا ۵ هزار دلار از کشور خارج کند، اکثریت نمایندگان مجلس طرحی را ارائه کرده‌اند که برای "تروریستهای اقتصادی" مجازات اعدام پیش‌بینی می‌کند. ملاک تشخیص "تروریست اقتصادی" در این طرح، این است که کسی برای ضربه زدن به رژیم، دست به یک رشته اعمال زنی یکی از این اعمال، "خروج ارز" است. در مورد کم و کیف وضع

از وقتی دولت با نرخ‌های "ترجیحی" و "رقابتی" و خدماتی رسماً وارد بازار آزاد ارز شده، هدهای از تجار وابسته به دستگاه حکومتی که از قیل درباره تصمیمات اطلاع داشتند، میلیارها تومان سود بیشتر به جیب زدند. قضیه از این قرار بود که این هده، با آمادگی برای سیاست جدید، از پیش توسط عوامل خود در خارج اجناس سودآور را شناسایی و مذاکرات مربوطه را انجام داده بودند. به محض اعلام تخصیص ارز با نرخ پایین تر از بازار به واردکنندگان، هجوم این تجار به بانک‌های دولتی آغاز شد. هم زمان با این تخصیص ارز هم، برخی اجناس به کلی از مقررات محدود کننده گمرکی آزاد شد. سیاست جدید دولت، به پر شدن انبار واردکنندگان مطلع از کم و کیف تصمیمات کابینه و سپس پرت شدن جیب آنها شد. بهای ارز در بازار آزاد که پس از ورود دولت به این بازار کاهش پیدا کرده بود، قبل از هر چیز به هلت افزایش امکان واردات و بالا رفتن تقاضا، به سرهت به سطح مامهای آخر جنگ رسید.

در این آشفته بازار، قیمت زمین و مسکن که نرخ ترقی آن پا به پای ارز و اجناس وارداتی بالا نرفته بود، حداقل در تهران ظرف

سیاستهای اقتصادی، در درون رژیم اختلافهای جدی وجود دارد. در حالیکه رفسنجانی و تقریباً همه وزرا خود را از بحث‌ها کنار کشیده و صحنه را به دیگران وا گذاشته‌اند، هملا وظیفه دفاع از جبهتی که در مجموع سیاستهای دولت رفسنجانی در ماههای نخست آن دیده شد، برهمه جناح رسالت قرار گرفته است. به نظر می‌رسد رفسنجانی خود را ضعیف تر از آن می‌بیند که بتواند بطور تهاجمی، و با دفع حملات خط امامی‌های دو آتشه، سیاست لیبرالیزه کردن اقتصاد را به پیش ببرد. به ویژه آنکه پیشبرد این سیاست، مستلزم این است که اجرای آن حداقل پس از گذشت چند ماه به نتایج ملموس برای مردم یا آشنایی از آنها همراه باشد. در حال حاضر، مجموعه مختصات سیاسی و روابط رژیم با غرب، اجازه چنین گشایشی را نمی‌دهد. بنابراین برای رفسنجانی چاره‌ای جز سکوت و انفعال نمانده است. اما وضع رسالتی‌ها فرق می‌کند. آنها دیگر به دفاع از بازار و سیاست لیبرالی اقتصادی شهرت یافته‌اند و در این کشمکش، وصله جدیدی به آنها نمی‌چسبد. از طرف دیگر، رسالتی‌ها مصدر مستقیم امور اجرایی نیستند و به قول معروف، حرف زدن برایشان مالیات ندارد. در مقابل اینها، دارو دسته‌ای که در یکی دو سال اخیر به جناح محتشمی شهرت یافته قرار دارد که تا می‌تواند، آشوب بپا می‌کند. کربوبی رئیس مجلس که جز این جناح محسوب می‌شود، در مراسم دوازده فروردین تهران طرح "اهدام تروریستهای اقتصادی" را پیشنهاد کرد و نوجه‌هایش مانند "دفتر تکمیل وحدت" دنبالش را گرفتند تا به ارائه طرح اخیر در مجلس انجامید. زمینه این جنجال هم این بود که از ماهها پیش، جناح محتشمی که در روزنامه کیهان نفوذ دارد، تبلیغاتی را در مورد

لزوم "مجازات تروریستهای اقتصادی" شروع کرد. یزیدی از چهره‌های جناح رسالت و رئیس قوه قضاییه، در پاسخ گفت اصلاً مفهوم "تروریست اقتصادی" در قانون وجود ندارد و قوه قضاییه نمی‌تواند بدون زمینه حقوقی، دست به اعدام "تروریستهای اقتصادی" بزند. ظاهراً طرح پیشنهادی اکثریت مجلس، واکنشی در برابر این سخنان یزیدی است. استدلال محتشمی و کربوبی و یارانشان این است که برای حفظ حکومت اسلام، هر کاری باید کرد و حالا که ما "تروریستهای سیاسی" و قاچاقچی‌ها را دسته دسته اعدام می‌کنیم، حق است که "تروریستهای اقتصادی" را هم اعدام کنیم چون وضع اقتصاد طوری شده است که روز به روز پایه حکومت را سست تر می‌کند. صرف نظر از حسابهای پشت پرده که حتماً در این قضایا نقش دارد و متضمن منافع معینی برای خط امامی‌هاست، آنها گمان می‌کنند می‌توانند ثبات اقتصادی مطلوب رژیم را با توسل به ابزارهایی مانند اعدام و شلاق و بگیر و ببند ایجاد کنند. از طرف دیگر این جماعت تندرو می‌بینند که با لیب‌الیزاسیون اقتصادی، جناحی بیش از همه سود می‌برد که بیش از همه اعتماد بازار از یک سو و اعتماد غرب را از سوی دیگر داشته باشد. و این جناح، قطعاً آنها نیستند. خط امامی‌ها را به این سادگی از مواضعشان نمی‌توان راند. آگاهی از همین واقعیت است که آنها را که اعتمادشان به حکومت می‌توانست گشایش اقتصادی را سبب شود، به خویشتن داری و صبر و انتظار واداشته است. و این گریپاژ کل سیستم، همچنان دامه دارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که به این زودی‌ها برطرف شود.

تلاش عراق برای...

بته از صفحه اول

مسین می‌کوشد با تعدید به مباران شیمیایی شهرهای اسرائیل این کشور را از اندیشه تکرار حمله به تاسیسات اتمی عراق که در سال ۱۹۸۱ انجام یافت باز دارد. دیکتاتور عراق در یک سخنرانی ابراز داشت ما مجرم به سلاح شیمیایی بسیار پیشرفته‌ای هستیم که فقط آمریکا و شوروی به آن دسترسی دارند. وی افزود: بخدا قسم که آتش ما نیمی از اسرائیل را خواهد سوزاند. صدام حسین روز ۲۸ فروردین اعلام کرد در صورت حمله اسرائیل هر افسر عراقی وظیفه دارد فرمان حمله شیمیایی به اسرائیل را به اجرا بگذارد. در این میان حکومت اسرائیل نیز به تعدیدات قلدرمنشانه خود ادامه داد.

برخی نشریات، منجمله روزنامه انگلیسی ایندپندنت نوشته‌اند که تاکنون دو هراده از این توپ‌ها در نقطه‌ای از خاک عراق مستقر شده است. به دنبال کشف ۴۰ چاشنی سلاح اتمی در فرودگاه لندن که در پوشش قطعات یدکی ماشین آلات به مقصد بغداد حمل می‌شد، کشف تلاش دیگر عراق برای تجهیز به وسائلی که بتوان با آن، خمپاره‌های اتمی، شیمیایی یا میکروبی را به مسافتی دور پرتاب کرد بر ابعاد نگرانی‌ها و تشنج در منطقه افزوده است. از سه هفته پیش تاکنون دولت اسرائیل و رژیم بغداد مرتباً یکدیگر را تعدید می‌کنند. صدام

یک واقعه تکان دهنده

و به آسمان برده شد. خانواده این کودک برای تفریح به صحرای رفته و چادری برپا داشته بودند که این حادثه به وقوع پیوست. جستجوهای بعدی برای یافتن کودک بی‌نتیجه بوده است. این خبر تکان دهنده در رسانه‌های جهانی نیز بازتاب وسیعی داشت.

روزنامه کیهان در شماره ۱۸ فروردین خود خبری تکان دهنده از ربه‌ده شدن یک کودک دو ساله توسط عقاب رادرج کرده است. در این خبر آمده است که یک کودک دو ساله در بیابان‌های اطراف اصفهان در برابر چشمان خانواده‌اش توسط یک عقاب ربوده

خبرها و نظرها

«دموکراسی و مثلث و رشکسته» آقای حاج سید جواد

در تاریخ ۱۰ فروردین ماه بیانیهای با عنوان «بیانیه گسست بخش همده اعضا و کادرهای کرد عضو حزب توده ایران مقیم خارج از کشور انتشار یافت». در این بیانیه دلایل جدائی توضیح داده شده و آمده است: «پروسه شناخت از روند تحولات جهانی در طول این چند سال و شکست استراتژی برنامه‌ای حزب، ما را بر آن داشت که انتخاب سیاسی خود را با دیدی نقادانه بنگریم. واقعیت‌های ملموس، توأم با مبارزه ما را بدانجا رساند که مرحله نقد سیاست و عملکرد حزب توده ایران به پایان خود رسیده است و ما را ناگزیر به جدائی از حزب توده ایران ساخته است.»

در این بیانیه بر ضرورت بازنگری مقولات نظری تاکید شده، نوشته شده است: «بازنگری مقولات نظری در پرتو واقعیت هر دم تغییر یابنده جهان معاصر، از جمله مفاهیم دوران، طبقه و مبارزه

در مقاله «پیرامون بیانیه آقای رضا پهلوی» در نشریه کار شماره ۷۷ و واکنش‌های متفاوتی را در میان نیروهای سیاسی ایران موجب گردید. در رابطه با این مقاله در نشریه کیهان (چاپ لندن) مطالب متعددی توسط نیروهای طرفدار سلطنت درج گردید. در این مقالات، برخی نویسندگان تلاش کردند به مسائل مطرح شده در نشریه کار پاسخ گویند و استدلالهای مقاله مزبور را رد نمایند و برخی نیز با حملات تند به سازمان ما و سایر نیروهای چپ، استدلالهای طرح شده در مقاله را پاسخ دادند. نیروهای جمهوریخواه اپوزیسیون نیز واکنش‌های متفاوت و متضادی له یا علیه این مقاله نشان دادند. شماری از این نیروها از این موضع‌گیری حمایت کرده و آنرا مثبت ارزیابی کردند. برخی از نیروها ضمن تایید سیاست طرح شده، یعنی پذیرش نیروهای سلطنت طلب بعنوان یک نیروی سیاسی و برخورد سیاسی با مواضع آنان و مباحثه در این رابطه، برخی مطالب طرح شده در مقاله را مورد انتقاد قرار داده و یا استدلالهای آنرا ناکافی و ناقص ارزیابی کردند و بعضی نیروها نیز این سیاست را رد کرده و آنرا مورد حمله قرار دادند و در این میان نیز برخی سازمان را مورد حمله تند و دشنامگویی قرار دادند. هفته گذشته مقاله‌ای در نشریه کیهان (چاپ لندن) و انقلاب اسلامی با امضاء آقای علی اصغر حاج سید جواد تحت عنوان «دموکراسی و مثلث و رشکسته درج گردید که تندترین اتهامات و دشنامها را متوجه سازمان نموده است در این مقاله سازمان ما بعنوان چپ وابسته در کنار سلطنت طلب‌ها و نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفته و نوشته شده است: «در احساس‌گناه به خاطر سالهای دراز کجروی با خیانت به اصول آزادی و دموکراسی و همدالت اجتماعی از سوی جناح‌های مختلف چپ‌های وابسته به کمونیسم استالینی و سیاست شوروی و جناح‌های مختلف وابسته به دربار و اقتصاد دلالی دوران سلطنت چه مهمانی نرفته است که بار دیگر در صدد ایجاد مشروعهیت و حقانیت برای خود در پشت شعارهای آزادی و دموکراسی برآمده‌اند، اکنون جناح‌های چپ و راست بدون اشاره به گذشته‌های خود در دشمنی و خصومت دائمی و هلنی با آزادی و دموکراسی، بدون ارائه تحلیل شفاف و روشنی از کجروی‌ها و دنباله روی‌ها و ضربه زدن‌های خود بر پیکر نضت آزادی طلبی و استقلال طلبی تاریخی ملت ایران همه را دعوت به گفت و گو و توافق و اتحاد برای آزادی و دموکراسی می‌کنند و در این راه از طریق اعلامیه و مصاحبه و تحلیل‌های سیاسی سراپا آمیخته با فریب کاری و ریاکاری از چپ و راست در کار صدور گواهی نامه هدم سو، سابقه برای یکدیگر هستند.» «شیوه خمینی و آخوند‌های حاکم برای سرکوب فکر آزادیخواهی و نیروهای آزادیخواه، تظاهر به بیگانه ستیزی و فریب زدگی و دشمنی با امپریالیزم و سواستفاده از کینه دیرینه ملت ایران نسبت به سیاست استعماری قدرت‌های بزرگ صنعتی بود..... به این جهت بود که خمینی و رژیم ملایا هر چه بیشتر در راه سرکوب آزادی و حقوق اساسی و مطالبات و خواست‌های مشروع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ملت ایران و تحکیم قدرت استبدادی خود گام بر می‌داشتند به همان نسبت هم تظاهر خود را نسبت به دشمنی با امپریالیزم و شعار نه شرقی و نه غربی و جنگ بین اسلام ناب محمدی و کفر و الماد و فرهنگ غربی شدیدتر و خشن‌تر می‌کردند، و چپ‌های وابسته به همان نسبت بر همکاری و خوش خدمتی خود با رژیم ولایت فقیه و برای حکومت آخوند‌ها در زمینه لجن مال کردن نیروهای آزادیخواه میافزودند.» حاج سید جواد در جای دیگر از مقاله خود نوشته است: «رژیم ولایت مطلقه فقیه با سادو سانسور و اختناق و تحمیل

جدائی غنی بلوریان و محمدامین سراجی از حزب توده ایران

طبقاً، سانترالیزم دمکرات دیکتاتوری پرولتاریا، حزب و دولت، انقلاب و رفرم، مؤسسه طبقاتی و حزبی، پلورالیسم سیاسی و سوسیالیسم حقوق ملی و دولت مرکزی، ایدئولوژی و حزب، اگرچه به مذاق محافظه‌کاران و جزم‌گرایان خوش نیاید، اما نیاز عاجل زمان و پاسخ به ندای وجدان بیدار بشریت است.»

در این بیانیه تاریخ حزب و خطاهای آن مورد تاکید قرار گرفته و آمده است: «اما این اصول کلی و متعارف مانع از آن نشده که از همان ابتدا حزب توده ایران ملتقای دو نیاز باشد. نیاز دفاع از منافع ملی ایران بطور هم و زحمکششان بطور خاص از یک طرف و نیاز دفاع از منافع و روابط کمتری و الزامات سیاست خارجی انترناسیونالیسم پرولتری از طرف دیگر...» «انقلاب بهمین آخرین شانس تاریخی آزمون مشتکی تئوری هاریتی و غیر منطبق با ساخت و یافت جامعه ایران و نیز خطمچند و فاجعه‌بار حزب مداری استالینی بود که به بهای سنگین و فیرقابل جبران تمام شد...» «سیاست کنونی دستگاه رهبری در ایجاد حزب ۲۵ نفره از مقطع یورش تا بحال که منجر به انفصال، انشعاب و اخراج ۱۴ نفر از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و انفعال صدها عضو و کادر پراکنده در سراسر جهان شده است و وقتی در کنار سیاست انضباط طلبانه آن در مورد کمیته داخل قرار گیرد، نمایانگر همت فاجعه است.»

در رابطه با مساله ملی در بیانیه نوشته شده است: «اساساً مضمون آموزشهای ما چنان بود که حق تعیین سرنوشت را نه بمثابه یک حق که قاعدتاً همه وقت و همه جا می‌بایست قابل دفاع باشد، بلکه در بازار مکاره سیاست، اولویتها و مصلحتها چوب حراج زدیم و حقانیت این حق به الزامات ناشی از برداشت از رژیم مرکزی که آتمم خود منوط به روابط آن رژیم با اردوگاه بود گره خورد همین فاصله میان حرف و عمل است که التقاتلی دردناک از مجموعه موضع‌گیریهای حزب توده ایران در رابطه با مساله

ملی و بویژه مساله کرد آفریده است. برخورد حزب توده ایران در فرازهای پر ارزش جنبش در سالهای ۲۵-۲۴ و ۴۶-۴۷ و بویژه پس از انقلاب بجهت تبارز تمام هیار اپورتونیسیم و قربانی کردن اصول به ظاهر اعتقادی خود در پیشگاه منافع و مصالح روز بود. تجربه دهها ساله وجود حاکمیت حزب واحد سراسری در کشورهای کثیرالمله به ما میاموزد که چنین احزابی نتوانسته‌اند در آن واحد پاسخگوی نیازهای کل و جز، جامعه باشند.» در این بیانیه ضرورت یا هدم ضرورت وجود احزاب سراسری روابط آنها با احزاب منطقه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است امضاکنندگان بیانیه برنامه آتی خود را چنین اعلام کرده‌اند: «ما بدون آنکه هیچ شکلی از مبارزه را در کردستان و ایران از قبل رد یا تایید کرده باشیم، به حکم تجربه همیتا معتقدیم که باید طرحی نو در انداخت و در این راه برای دست یافتن به کارآترین فرمول که پاسخگوی ضرورت و نیاز زمان باشد، لزوم یک پلیمیک ملی اجتناب ناپذیر است ما به سم خود با دعوت از همه نیروها و افراد مفرد مبارز، در جهت ایجاد مکانیسم‌های مناسب این نیاز تلاش خواهیم کرد.» در این بیانیه استقرار رژیمی دمکراتیک مبتنی بر تامین حاکمیت برابر حقوق همه ملت‌های ساکن ایران، اتحاد عمل کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک ایران، اتحاد عمل کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک و شخصیت‌های مبارز خلق کرد در کردستان، مبارزه در راه صلح جهانی و حفظ محیطزیست، در راه استقرار دمکراسی در جهان و محو دیکتاتوری و مبارزه علیه تجاوز امپریالیسم راستای فعالیت آینده اعلام گردیده است. در خاتمه رفقا غنی بلوریان و محمد امین سراجی اعلام کرده‌اند که در آینده خواهند کوشید «روند جدائی از حزب دمکرات کردستان ایران و تشکیل حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) و پیوستن به حزب توده ایران را که نیاز به بررسی دقیق و جمعی دارد و دیدگاههای خود در رابطه با دگرگونیهای ژرف، حوادث دوران ساز کنونی و تاثیر آن بر پروسه مبارزاتی جنبش رهایی بخش کردستان را بیان نموده» و به اطلاع هموم برسائند.



مصاحبه محمدرضا شالگونی

پیرامون بحران در سوسیالیسم موجود

در شماره «۷۳» نشریه راه‌کارگر متن مصاحبه صدای کارگر با رفیق محمدرضا شالگونی عضو دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران پیرامون بحران سوسیالیزم موجود درج گردیده است. در این مصاحبه هر چند کماکان دیدگاههای این سازمان در مورد پاره‌ای از مسائل کلیدی حفظگر دیده است ولی بسیاری از پاسخ‌ها با مواضع اعلام شده پیشین این سازمان و یا مقالات درج شده در نشریات آن تفاوتی دارد.

در این مصاحبه در پاسخ به نظراتی که از مرگ کمونیسم و دفن شدن مارکسیسم سخن می‌گویند گفته شده: «تعجبی ندارد که وقتی تغییرات و خصوصاً عقب‌نشینی‌هایی در جنبش کمونیستی صورت می‌گیرد دشمنان سوسیالیزم یا آهنی‌کی اعتقادی به سوسیالیزم ندارند یا اخیراً به خصوص با آن بر خاسته‌اند، باصطلاح فاتحه آنرا بخوانند و از دفن کمونیسم و از مرگ مارکسیسم لنینسم صحبت کنند... آیا بحران سوسیالیزم بدون دمکراسی را باید بحران مارکسیسم و یا بحران لنینسم تلقی کرد؟ نه نگامی ولو گذر به آثار بنیان‌گذاران مارکسیسم و همچنین لنین نشان می‌دهد که تصادفاً در این دوره ما داریم بر می‌گردیم به اندیشه‌های اصلی این بنیان‌گذاران، یعنی تاکید بر جایگاه کلیدی دمکراسی در سوسیالیزم و تاکید بر ضرورت شرکت بی‌واسطه مردم در امور جامعه، بازگشت به عقب نیست، بازگشت به اصول است.»

«حقیقت این است که این بحران، بحران شکست سوسیالیزم بدون دمکراسی است باید قبول کنیم که بعد از این سوسیالیزم با آن الگو شانس بقا ندارد. اگر همین سوسیالیزم را تنها الگوی ممکن سوسیالیسم و تصمیم قطعی مارکسیسم و لنینسم بدانیم باید قبول کنیم که دوران آن تمام شده و این بحران مرگ آنست ولی اگر سوسیالیسم را در همین الگو خلاصه نکنیم - که ما نمی‌کنیم - باید قبول کنیم که راه جوئی‌هایی صورت بگیرد و می‌گیرد که جنبه‌های مثبتی هم دارد. عقب‌نشینی و فلیه جنبه‌های منفی در کوتاه مدت ضرورتاً به معنای عقب‌نشینی در بلند مدت نیست، ما فکر می‌کنیم که حالا در مقیاس بین‌المللی مجموعه همه جا نه تنها سوسیالیزم موجود بلکه همچنین انقلابات، جنبش‌های انقلابی و رادیکال در حال عقب‌نشینی هستند بخاطر اینکه در نتیجه عقب‌نشینی اردوگاه سوسیالیستی، توازن قوا به نفع سرمایه‌داری بهم خورده است. این کاملاً محسوس است. ولی در صورتیکه اتحاد شوروی برای حل

بحران مزمن سوسیالیزم بوروکراتیک مسیر درستی را بگشاید و به نتایجی برسد، همین عقب‌نشینی‌های کنونی به پیش درآمد احیا جنبش کارگری و کمونیستی تبدیل خواهند شد.» در پاسخ به سؤال در رابطه با انتخابات به آرا همومی گفته شده است: «تردید نیست که نه سوسیالیزم بلکه حتی یک دمکراسی بورژوازی نیز تنها از طریق انتخابات نمی‌تواند بدست آید. حتی برای یک دمکراسی بورژوازی نیز باید تعادلی طبقاتی بوجود آید. شالوهای مادی پی ریخته شود تا نظامی ساخته شود. این راه انقلابات می‌تواند هموار کند. در مورد سوسیالیزم که قطعا چنین است، انقلابات را نباید در مقابل انتخابات قرار داد. این کاری است که دو گروه می‌کنند، مخالفان انقلابات و مخالفان انتخابات، واقعیت این است که تنها با انقلابات می‌توان بنیادها و دستگاه تسلط طبقاتی بهره‌کش و ستمگران را در هم ریخت. ما معتقدیم بدون این درهم ریختن، انتخابات جز نظر «موافق» بردگان با برده‌داران هیچ معنای دیگری ندارد..... بایستی دستگاهی تسلط نه تنها استبداد بلکه دستگاههای تسلط طبقاتی بهره‌کش و بطور مشخص سرمایه‌داری را بهم ریخت و بعد از آن مسلم است که مارکسیسم نه تنها مخالف انتخابات نیست بلکه طرفدار پروپاقرص آنست.»

در پاسخ به چشم‌انداز انقلابات در کشورهای جهان سوم و گذار به سوسیالیزم در این کشورها گفته شده است: «شاهد مستقیم که لااقل از اوایل دهه هفتاد، انقلابات ملی و انقلابات دهقانی دیگر چندان وزنی ندارند. انقلاب هر چه بیشتر خصلت همیق اجتماعی پیدا می‌کند. در کشورهای جهان سوم انقلاباتی بوجود می‌آیند که علیه نظام سرمایه‌داری جهانی هستند. ملت این است که اکنون در تمام این کشورها، در تمام جهان نظام سرمایه‌داری واقع فلیه پیدا کرده و شرکتها و نهادهای فراملیتی در واقع گسترش سرمایه را تضمین می‌کنند. در تمام این کشورها، سرمایه‌داری ساخت سنتی و باصطلاح ماقبل سرمایه‌داری را بهم زده و توده وسیعی را به عرصه سیاسی کشانده و در همین حال امکان رشد از طریق سرمایه‌داری را نیز تقریباً از بین برده است. تنها امروز است که بیش از هر زمان مشهود است که انقلابات خصلت سوسیالیستی پیدا می‌کنند - منظورم این نیست که قاطع برونند به سوسیالیزم، خصلت ضدسرمایه‌داری آشکار آنها مورد نظر است -

مصاحبه با کاک حسن شرفی عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان

پیرامون

روابط سازمان‌های کرد، اوضاع ایران و چشم‌اندازهای موجود



* - انشعاب رهبری انقلابی از حزب دمکرات بر چه اساسی صورت گرفت و چه تأثیری بر جنبش خلق کرد گذاشت؟

- دو سال پیش ۱۵ تن از اعضای حزب دمکرات طی بیانیه‌ای عملاً پیوندهای وابستگی خود بمرکز دمکرات را قطع کردند. این اقدام اگر دو ویژگی خاص را نداشت روی میز فتنه مسئله‌ای غیر هادی و ضد حزبی بشمار نمی‌آمد. نخست اینکه بیانیه بنام حزب دمکرات کردستان ایران صادر شده بود در حالیکه کنگره هشتم حزب که چند ماه پیش از آن برگزار شده بود و امضاء کنندگان بیانیه مزبور نیز در آن شرکت داشتند و همه تصمیمات و قرارهای کنگره را پذیرفته بودند، رهبری حزب را از طریق انتخابات آزاد و با رای مخفی معین کرده بودند بنابر این معلوم نبود کسانیکه در یک کنگره انتخاب نشده‌اند با چه حقی و با استناد به چه اصولی خود را نماینده حزب می‌نامند. دوم آنکه محتوای بیانیه که حاکی از مخالفت و دشمنی با حزب دمکرات بود بگونه‌ای بود که دست "رجوی" در نوشتن آن از لابلای سطورش مشهود بود. از آنوقت به بعد به دستور و توصیه مجاهدین، دشمنی خود را با حزب دمکرات کردستان ایران دنبال کرده‌اند و با پیش فروش نام حزب دمکرات حزب محبوب خلق کرد در کردستان ایران به مجاهدین رجوی زمینه جنگ با حزب دمکرات را فراهم نموده‌اند.

* - اما درگیری مسلمانان شما و رهبری انقلابی چطور قابل توضیح است از آتش‌بس یک طرفه صحبت می‌کنند. شما حاضرید این پیشنهاد را بپذیرید و به برادر کشی خاتمه دهید؟

- بعضی وقت‌ها منصرفین شعار می‌دهند که نمی‌خواهند به جنگ علیه حزب دمکرات و بقول خودشان "نراکسیون" کشیده شوند آنان اگر راست می‌گویند برای این کار راه بسیار ساده‌ای در پیش است و آن اینست که نامی را که بر خود نهاده‌اند عوض کنند چرا که حزب دمکرات یکی بیش نیست و دو تا نخواهد شد. جالب است که رهبری منصرفان تنها خود را "انقلابی" می‌دانند و آن تعداد معدودی از کادر و پیشمرگان را نیز که بدنبال آنها افتاده‌اند بدین صفت نمی‌شناسند. بهر حال اگر هنوز ذره‌ای حق تصمیم‌گیری مستقل برایشان باقی مانده باشد، نامی را که بر خود نهاده‌اند عوض خواهند کرد. لیکن براساس توانایی برداشتن این گام را دارند؟ اگر ندارند مانع اینکار چیست یا کیست؟

* - می‌خواهید بگویند که اگر راه پیشنهادی شما (تغییر نام خودشان) را نپذیرند احتمال ادامه درگیری‌های مسلحانه وجود دارد؟ - گفتم که اجتناب منصرفین از تغییر نامی که بر خود نهاده‌اند در واقع بمعنای پافشاری آنها در ادامه وضع فعلی است.

* - اختلاف شما با کومله بر چه اساسی است و درگیری مسلحانه شما با آنها آیا بر اساس این اختلافات قابل توضیح است؟

- این امر ریشه در سیاست خصمانه کومله نسبت به حزب دمکرات کردستان ایران دارد کومله خود را نماینده پروتاریا و حزب دمکرات را نماینده بورژوازی و تضاد بین این دو را آشتی ناپذیر می‌داند. با اینکه هر دوی این ادعاها نادرست است چنین طرز فکری مآل به خصومت و دشمنی کومله با حزب دمکرات می‌انجامد کومله همواره سعی می‌کرده تا از طریق زور فشار و تهدید و ارهاب حاکمیت اقلیت ناچیز خود را بر اکثریتی قریب به اتفاق مردم کردستان تحصیل نماید که این امر برای مردم کردستان و رهبر جنبش خلق کرد در کردستان ایران که مدافع دمکراسی و حاکمیت مردم است همخوانی ندارد. در شرایط فعلی که کومله از سوئی سیاست نفی مبارزه مسلحانه در کردستان را در پیش گرفته و از سوی دیگر توان حضور در هر صحنه مبارزه در کردستان را ندارد بنابر این احتمال درگیری به همین نسبت کاسته شده.

* - نهایتاً آیا شما می‌پذیرید که جز حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی و کومله هم جزئی از جنبش خلق کرد هستند و برای رهائی خلق کرد مبارزه می‌کنند؟

- ما و اتفاقاً خوشحال می‌شدیم اگر نیروهای مردمی دیگری هم در کنار حزب دمکرات کردستان ایران در جهت تحقق خواسته‌های مردم کردستان با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند، متأسفانه کومله و منصرفین جز کار شکنی و دشمنی با مردم کردستان و رهبری جنبش مردم کردستان یعنی حزب دمکرات کردستان ایران وظیفه دیگری برای خود قایل نشده‌اند؛ این اواخر کردستانی بودن کومله از سوی حزب کمونیست ایران که کومله بخشی از آن است کاملاً زیر سؤال رفته.

* - رابطه شما با سایر جریان‌ها کردی در کردستان عراق مثل پارتی دمکرات، طالبانی‌ها و نیز حزب کمونیست عراق چگونه است؟

- یک رابطه هادی.

* - آیا مبارزه مسلحانه به شیوه‌ای که تاکنون در جنبش کردستان معمول بوده همچنان مورد قبول شماست؟

- بلی مبارزه مسلحانه از شیوه‌های اصلی مبارزه مردم کردستان است.

پیرامون مسئله کردستان از سوی رژیم به حزب دمکرات کردستان ایران ارائه شد. در آن شرایط دو زمینه برای قبول این پیشنهاد از سوی حزب وجود داشت. نخست خطاسازی سیاست حزب که هبارت است از اینکه مساله کردستان راه حل نظامی ندارد و این مساله در نهایت باید از طریق مسالمت و گفتگو و مذاکره حل و فصل شود، دوم شرایط ویژه زمان ارائه پیشنهاد بود که در آن زمان قاعدتا می‌بایست رژیم در حال بازنگری گذشته و ارزیابی اوضاع کلی خود و یافتن راه حلهایی جهت مشکلات گوناگون خود باشد این بود که در اوایل زمستان ۱۳۶۷ نخستین دیدار بین نمایندگان طرفین در وین صورت گرفت، این نشست در واقع یک دیدار بود نه گفتگو و مذاکره بگفته نمایندگان رژیم "نظام" می‌خواست از نظرات نهائی حزب در مورد حل مساله کردستان و چهار چوب این نظرات اطلاع حاصل کند که در این دیدار نظرات حزب توضیح داده شد و گزارش کامل این دیدار و مباحثات مربوط به آن از سوی نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران به دفتر سیاسی ارائه گردید، و قاعدتا می‌بایست نمایندگان رژیم نیز بهمین ترتیب عمل کرده و نظرات حزب را در جهت ارزیابی به مقامات مسئول اطلاع دهد. دفتر سیاسی پس از ارزیابی گزارش این دیدار به این نتیجه رسید که تنها راه برای شروع یک مذاکره واقعی این است که رژیم پیش از هر چیز اصل خودمختاری را بپذیرد و آن را بطور رسمی اعلام نماید، این کار بمعنای مشخص ساختن همان چهار چوبی خواهد بود تا بتوان پیرامون محتوای خودمختاری گفتگو و مذاکره کرد. هدف از دیدار دوم که ۷ ماه بعد از نشست نخست صورت گرفت در واقع برای ابلاغ نظرات حزب بود که به ترو در کتار قاسملو و رفقاییش توسط رژیم منجر شد.

* - اگر از توضیحات شما اینطور استنباط کنیم که حزب دمکرات قصد داشته است ابتدا ضرورت پذیرش اصل خودمختاری را به رژیم بقبولاند و در صورت موفقیت، مذاکره درباره محتوا و چگونگی اجرای خودمختاری را آغاز کند منظور شما در است تمهیدیه‌ایم؟

- بلی همینطور است.

* - ارزیابی شما از حرکات اعتراضی مردم ایران در ماه‌های اخیر چیست؟

- حرکت‌های اعتراضی مردم ایران در ماه‌های اخیر در واقع عکس‌العملی در برابر عملکردهای رژیم و خرابی وضع اقتصادی آنانست هر چند سازمانها و اشخاصی سعی کردند این حرکت‌ها را مردمی رابه خود نسبت دهند و مدعی شدند که نقشی در برپایی و سازماندهی آن داشته‌اند ولی این ادعاها چیزی از اهمیت این حرکات مردمی نمی‌کاهد.

* - یعنی شما این حرکت‌ها را خودجوش و خودانگیخته می‌دانید و آن ادعاها را قبول ندارید؟

- همانطور که گفتم هیچ‌کسی یا هیچ‌سازمانی در شکل‌گیری و سازماندهی این حرکت‌ها نقش اساسی نداشته ولی احتمالاً در این حرکت‌ها شعارهای هم نفع سازمان‌های مختلف داده شده ولی بیشتر شعارها علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند.

* - نظر شما در باره تحولات کشورهای سوسیالیستی چیست؟

- تحولات اخیر در اروپای شرقی و شوروی را در کلیت خود با دیده مثبت می‌نگریم هر چند هنوز زود است که درباره روندین تحولات و آثار آن در آینده بطور دقیق اظهار نظر کرد و آثار ارزیابی نمود اما واضح است هر گامی که در جهت دمکراسی و احترام به حقوق افراد انسانی و بالاخره صلح و تفاهم در جهان برداشته شود مایه امیدواری است. ظاهراً تحولات اخیر کشورهای اروپای شرقی همگی در این جهت است.

* - می‌خواستیم نظراتان را درباره گروه‌ها و نیروهای ایرانی و فعالیت آنها را بدانیم و وضعیت نیروهای چپ ایران را چطور می‌بینید؟

- بطور کلی اشکال عمده‌ای که در فعالیت گروه‌ها و نیروهای اپوزیسیون ایرانی وجود دارد عدم همکاری و همگامی آنها در امر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی است متأسفانه نیروهای چپ در سالهای گذشته در پیرویه تفرقه و انشعاب بوده‌اند و همین پراکندگی نیروها خود یکی از دلایل بقای رژیم شده است. تحولات اخیر در شوروی و کشورهای اروپای شرقی توانسته است بر برخی از سازمانهای چپ در ایران تأثیر بگذارد. در حال حاضر نیروهای چپ ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست آن دسته که موفق به شکستن بت‌ها شده و از گذشته پند گرفته‌اند و سوسیالیسم دمکراتیک را قبول دارند و به حاکمیت مردم و آزادی‌های دمکراتیک اعتقاد دارند و دسته دوم که کماکان درگیر دگم‌ها و دیکتاتوری پروتاریا هستند.

* - درباره مجاهدین خلق و فعالیت‌های آنها چه می‌گویند؟

- مجاهدین خلق بیشتر فعالیتشان متوجه مسائل تبلیغاتی در خارج از کشور و از طریق رادیو برای داخل کشور است و آنهم برای اطلاع اعضا و هوادارانشان. جز این فعالیت دیگری چشم نمی‌خورد.

* - حزب دمکرات شخصاً همکاری با مجاهدین را در یک دوره نه چندان طولانی تجربه کرد. با تکیه بر این شناخت فکر می‌کنید با مجموعه تحولاتی که در ایران و جهان صورت گرفته همکاری‌های آتی با مجاهدین محتمل است؟

- با توجه به شیوه‌های غیردمکراتیک و همزونی طلبی‌های مجاهدین فعلاً این احتمال وجود ندارد.

پرسش - اخیراً در خارج از کشور شایعاتی مبنی بر تشکیل یک "دولت کردی" روی زبانها بوده است. در این مورد چه می‌گویند؟

پاسخ - من شخصاً چنین شایعه‌ای را نشنیده‌ام. ما بعنوان حزب دمکرات کردستان ایران شعارمان دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران است. تمام توان و تلاش ما هم در جهت تحقق همین خواسته‌ها بکار گرفته شده و می‌شود شما می‌دانید که نزدیک به چهار سال است حزب ما در راه تشکیل جبهه‌ای از نیروهای چپ و دموکرات علیه رژیم جمهوری اسلامی گام بر می‌دارد، ادامه جلسات بحثی هم که اکنون میان تعدادی از سازمانها بمنظور دست‌یابی به شیوه‌های همکاری در جریان است در همین راستاست که امیدوارم به یک ائتلاف بزرگ سیاسی بیانجامد در مورد خودمختاری برای کردستان هم لازم است بگویم ما این شعار را بخاطر خوش‌آیند کسی یا سازمانی سر نهاده‌ایم بلکه با بررسی‌های همه جانبه اعتقاد داریم که خواسته‌های خلق کرد در کردستان ایران در چهار چوب کشورمان قابل تأمین و با تحقق دموکراسی در ایران قابل تضمین است حال اگر شما کسی یا کسانی را سراغ دارید که خواستی غیر از دموکراسی برای ایران کردستان دارند می‌توانید از خودشان بپرسید.

* - گفتید که جلسات بحثی میان تعدادی از سازمانها در جریان است. منظور کدام سازمان‌ها هستند؟

فعلاتاً می‌توان از حزب دموکرات کردستان ایران - حزب دموکراتیک مردم ایران - سازمان فدائیان خلق ایران و نیز سازمان خودتان اسم برد.

* - اوضاع حاکمیت جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می‌کنید و چه چشم‌اندازی برای تحولات آتی آن می‌بینید؟

- رژیم جمهوری اسلامی بر خلاف آنچه که ظاهر می‌شود نشان دهد و نظیر تم تأثیرات موقت مانورهای زودبندهای آخوندی مشکلات اساسی زیادی در راه تثبیت و حتی بقای خود دارد. هم اکنون نیز با بسیاری از مشکلات سیاسی اقتصادی و اجتماعی و اداری و حتی مذهبی روبروست که هر کدام بنوبه خود تهدیدی برای بقا و موجودیت رژیم بشمار می‌آیند. مسئله رهبری نظام جمهوری اسلامی از مهمترین مشکلات رژیم است که تا بحال راه حلی برای آن پیدا نشده حتی خمینی نیز قادر به حل آن نشد مسئله بازسازی خرابیهای جنگ هم کار آجنان ساده‌ای نیست که رژیم بتواند با نطق و خطابه بانجامش برساند. در زمینه مذاکرات صلح با عراق که از قاضی‌ترین مشکلات رژیم است پیشرفت چشمگیری حاصل نشده این مشکلات و دیگر مشکلات حل نشده همچون خوره جسم جمهوری اسلامی را می‌خورند و بویژه که در ماه‌های آخر سال گذشته نیز نفرت و بی‌زاری مردم از رژیم در قالب تظاهرات هلنی متجلی شد بنابر این رژیم در وضع دشواری دست و پا می‌زند شکاف میان جناح‌های رژیم هم مزید بر این مشکلات است. تردیدی نیست که اگر نیروهای مترقی و دموکرات از اتحاد و همکاری و همگامی لازم برخوردار بودند بطور جدی هر صحنه بر رژیم آخوندها تنگ‌تر می‌شد و اگر چنین کاری صورت گیرد و جبهه‌ای از نیروهای مترقی و دموکرات تشکیل شود یا در یک ائتلاف بزرگ سیاسی مشارکت نمایند می‌توان به آینده‌ای روشن امیدوار تر بود.

* - درباره مذاکرات دوساله اخیرتان با رژیم جمهوری اسلامی بر ایمان توضیح بدهید. این مذاکرات پس از شهادت دکتر قاسملو چگونه بوده است؟

- همانطور که در مصاحبه رادیویی رفیق مبارزمان دکتر سعید دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران آمده و در روزنامه شماره ۱۵۷ کردستان هم درج شده بود پانز سال ۱۳۶۷ بدنبال قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه قبول آتش‌بس از سوی ایران که در واقع قبول شکست در جنگ بود. پیشنهادی مبنی بر گفتگو و مذاکره

انقلابات اجتماعی - شاخص اصلی انقلابات امروزی هستند

در رابطه با مساله بازار، مالکیت و برنامه‌ریزی در سوسیالیسم گفته شده است: باید بگویم که نظر مارکس در مورد نفی بازار مبتنی بر شرایطی است او می‌گفته سوسیالیسم نخست در کشورهای اصلی سرمایه‌داری یعنی قسمت اعظم جهان پیشرفته پیروز می‌شود و معتقد بوده که در آن شرایط بازار منحل می‌گردد اما اوضاع اکنون طور دیگری است. ستاریوی تاریخی طور دیگری پیش رفته، بنابر این گفتن اینکه در این شرایط بازار باید باشد، ضرورتاً تا مخالفت با نظر مارکس نیست. اما درباره این نظر مارکس که معتقد بوده در نظام سوسیالیستی اصلاً بازار نباید

برنامه‌نوین

دراستای سازماندهی جنبش ملی - دمکراتیک

فرج مهبینی (امیر)

ج: گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد

گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، بزرگ‌ترین وسیله تأمین عدالت اجتماعی است. این امر دو هدف را پی میگیرد: یک: انطباق فزاینده فعالیت‌های اقتصادی بر نیازهای مردم ایران و بهسازی مداوم سطح زندگی آنها، دو: سمت دادن جامعه بسوی سوسیالیسم که مبتنی است بر نفی کامل استثمار و خود محصول عالی‌ترین شکل کنترل و اداره اقتصاد، در تلفیق با سطح عالی‌پیشرفت و کارآیی اقتصاد است.

تجربه نشان داد، برنامه‌هایی که عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را، نه در شکل منعطف کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، بلکه در شکل همه دولتی کردن اقتصاد میدیدند، با شکست روئو شدند. همینگونه، برنامه‌هایی که بر نفی کامل کنترل و آزاده اجتماعی اقتصاد تکی بودند، در تأمین عدالت اجتماعی شکست خوردند. از دید برنامه ما، پیگیری هدف نهایی عدالت اجتماعی برای پایان دادن به ستم و استثمار، از یکسو نیازمند گسترش مداوم و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد است، و از سوی دیگر نیازمند بهره‌گیری از همه اشکال ایجادگر فعالیت اقتصادی در بخشهای اجتماعی و خصوصی. از دید برنامه ما، مساله مرکزی سوسیالیسم، کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، در همه اشکال بار آور است. این امر تنها هنگامی به سطح عالی اجتماعی شدن اداره موسسات اقتصادی فرا خواهد روئید، که بخشهای اجتماعی اقتصاد بگونه دموکراتیک و از راه رقابت اقتصادی، و بر پایه سازندگی و سودآوری خود، قلمرو خویش را در سراسر بخشها گسترش دهند و فعالیت بخشهای غیر اجتماعی را در مقایسه با خود کم بار و بی بار و ناسودآور کنند.

بر پایه نگرش فوق، برنامه ما برای گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، روشهای زیر را در پیش میگیرد.

۱- گسترش تدریجی و دموکراتیک بخشهای اجتماعی اقتصاد، از راه کاربست همه امکانات اقتصادی برای برتری یافتن تکنولوژی، بارآوری و سودآوری این بخشها.

۲- گسترش سرمایه گذاربهای مشترک دولتی - خصوصی و ترغیب بخش خصوصی به افزایش موسسات اقتصادی مختلط.

۳- کمک به بخش خصوصی در مستگیری بسوی فعالیت‌های اقتصادی سازنده، و در انطباق فعالیت‌های آن با نیازهای ملی و مردمی، و افزایش سهم بخش خصوصی در عمران و آبادی کشور و بهسازی سطح زندگی مردم و تأمین پشتوانه مالی برای تأمینات اجتماعی.

۴- گزینش سیاست مالیاتی، بر پایه افزایش سهم مالیات، متناسب با افزایش ثروت.

۵- برنامه ریزی عمومی برای کاهش هزینه‌های اداری و نظامی-بهره-گیری صرفه جویانه و سودآور از منابع طبیعی ملی، و برای منطبق کردن فزاینده کل فعالیت‌ها با نیازهای رشد اقتصادی، عمران و آبادی کشور و بهسازی زندگی مردم.

د: مستگیری برای پایان دادن به استثمار

پایان دادن به استثمار، هدف بزرگ و دراز مدت برنامه ما در عدالت اجتماعی است. استثمار کارگران و زحمتکشان، شالوده بی‌عدالتی اجتماعی و خشن‌ترین مظهر ستم بر نیروی کار و زحمت است. تنها هنگامیکه کارگران و زحمتکشان یدی و فکری از قید استثمار آزاد شده و از همه دسترنج خویش، هم بطور مستقیم و هم با واسطه خدمات و تأمینات اجتماعی بهره‌مند شوند، میتوان از تحقق کامل دموکراسی و عدالت اجتماعی سخن گفت. آماج ما برای پایان دادن به استثمار با هدف سوسیالیستی جنبش ما یگانه است و ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند. برنامه کنونی جنبش ما

میکوشد تا در راستای آرمان سوسیالیستی و جامعه بدون استثمار، تدریجا و کام به کام از فاصله قطبهای فقر و ثروت بکاهد و با تأمین حقوق نیروی کار و گسترش تأمینات اجتماعی و کاربست مجموع پیش‌بینیهای ایسسن برنامه در زمینه رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، در سمت پایان دادن به استثمار پیش برود.

حاصل مساله ملی

کشور ما ایران، کشوری چند خلقی است که خلقهای آن همپیوندی-هائی نیازی، تاریخی و فرهنگی بسیار ژرف و دیرینه ای دارند. این بردها در دوران دوش یکدیگر ایران را آباد کردند و از آن ذر برابر هجوم و دستبردگزاران بیگانگان دفاع کردند.

بخش دوم

خلقهای کشور ما در عین همپیوندی‌های تاریخی و فرهنگی با یکدیگر، هر يك دارای ویژگیهای تاریخی و فرهنگی خود نیز هستند. این خلقها برخی همجاو برخی ناهمجا هستند، برخی بسیار زودتر و برخی دیرتر-انجام ملی و قومی یافته‌اند. در طول تاریخ کشور، سهم این خلقها در تعیین سرنوشت ایران و در دولت مداری یکسان نبود، و از سوی دولت‌های استبدادی بر آنها ستم‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی شده است.

در این میان، خلق کرد، علیرغم هم تباری و همپیوندی تاریخی - فرهنگی آن با خلق فارس، بدلیل عقب ماندگی اقتصادی، شرایط نامساعد جغرافیایی، سیطره ساختارهای قبیله‌ای و تفاوت مذهبی مردم آن با حکومتگران وقت، و بدلیل مقاومت همه قومی کردها در برابر ستمگری حکومت‌های ارتجاعی، آماج سرکوبهای شدید نظامی شده است. مساله خلق کرد، نه تنها در کشور ما بلکه در مقیاس منطقه و در سطح جهان بحق برجستگی یافته است. کردزبانی و کردکشی رژیم‌های عراق و ترکیه، بمسوازات سرکوبگریهای رژیم ایران، بیش از پیش ضرورت یافتن راه‌حلی مسالمت-آمیز و عادلانه برای تأمین کامل حقوق ملی ملت کرد را مطرح میکند.

جنبش ما، با پایبندی ژرف به دموکراسی و نفی زور و قهر در مسائل میان خلقها، حق هر خلقی میداند که بدور از تحمیلات دولتی، حزبی، فرقه‌ای و بدور از مداخلات خارجی، و با رای و اراده آزادانه خویش، در باره پذیرش یا عدم پذیرش حکومت واحد، در چارچوب ایران دموکراتیک تصمیم بگیرد.

برنامه ما، با رعایت این اصل، میکوشد تا هماهنگ با نیازهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی هر يك از خلقهای ساکن کشور و نیازهای همپیوسته مجموع مردم ایران، و متناسب با الزامات دوران کنونی، راه‌تحکیم وحدت دموکراتیک خلقهای ایران را هموار سازد. برای دستیابی به این هدف و حل مساله ملی در کشور، برنامه کنونی ما اقدامات زیر را بی-کیبرد:

۱- گسترش همپیوندی و تحکیم وحدت خلقهای ایران، بر پایه اصل گزینش آزادانه اتحاد، و تضمین حق هر خلق برای تصمیم گیری در باره سرنوشت خویش.

۲- پایان دادن به هرگونه تبعیض میان خلقهای ساکن کشور، سهیم شدن برادرانه همه آنها در اداره امور میهن واحد ما ایران و تعیین سرنوشت اکنون و آینده‌آن.

۳- انطباق عادلانه بخشبندیهای جغرافیایی کشور با منطقه زیست خلقهای همجا.

۴- رسمیت یافتن زبان خلقها در قلمروهای ملی، در همه زمینه‌های اداری، اجتماعی و فرهنگی، کاربست زبان فارسی بعنوان زبان مشترک در کشور.

۵- تشکیل مجالس ملی بمثابه بالاترین نهاد محلی قدرت، برای اداره امور داخلی منطقه ملی. این مجالس نهادهای سیاسی-اداری محلی را، تعیین میکنند.

۶- ایجاد هماهنگی در رشد اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی همسسه بخشهای کشور.

۷- گزینش يك سیاست مشترک ملی در مقابله با بهره‌جویی ابر-قدرتها و دولت‌های خارجی از مسایلی ملی در ایران.

آزادی زنان

۱- اعلام آزادی زنان و تأمین و تضمین برابری کامل زنان با مردان در همه امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و خانوادگی.

۲- ممنوعیت چند زنی، ممنوعیت میهنه و انواع فحشا، " قانونی"، و غیر قانونی، تأمین برابری مرد و زن در تعهدات خانوادگی.

۳- تأمین شرایط و امکانات ضرور برای فعالیت اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قضایی زنان.

۴- معافیت زنان از کارهای سخت و نامتناسب با مختصات جسمی و روحی آنان.

۵- ایجاد تأمینات اجتماعی مکفی در حمایت از مادران و کودکان و به منظور تحکیم شالوده خانواده.

۶- یاری همه جانبه به امر شکل و بسیج زنان برای دفاع هر چه نیرومندتر از حقوق زنان.

نوسازی و گسترش فرهنگ

۱- پایان دادن به بیسوادی از راه بسیج همه امکانات کشور.

۲- گسترش نهادهای آموزشی در همه سطوح و در مناطق مختلف کشور و تأمین نیازهای جامعه در زمینه دانشگاه، دبیرستان، هنرستان دبستان، مهد کودک و غیره.

۳- بازسازی نظام آموزشی و انطباق آن با سطح رشد تمدن معاصر و نیازهای اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جامعه.

۴- فراگیر و رایگان کردن آموزش و لغو هر گونه تبعیض در آموزش بر پایه جنسیت، ملیت، عقیده، مذهب و ثروت.

۵- ایجاد و گسترش فرهنگستان همه رشته‌ای، و تبدیل آن به تکیه-گاه بزرگ علم و فن و هنر و ادب کشور.

۶- ایجاد فرهنگستان ملی در مناطق ملی.

۷- تأمین امکانات برای همه فعالیت‌های فرهنگی، اقدام سازمان یافته در حمایت از زحمتکشان رشته‌های علمی و فرهنگی.

۸- تأمین امکانات ضرور برای انجام فرایض دینی مردم و اداره امور مذهبی توسط روحانیون، و برای فعالیت دینی، علمی و پژوهشی علما و رهبران مذهبی کشور.

۹- تأمین امکانات ضرور برای بهسازی وضع حوزه‌های علمیه و ارتباط آنها با مجامع علمی و فرهنگی دیگر کشورها، و برای آشنا شدن طلاب با دستاوردهای علمی، فنی، فرهنگی در جهان.

۱۰- گسترش مبادلات و مناسبات فرهنگی با کشورهای جهان، به ویژه با کشورهای پیشرفته و خلقهای هم تبار و همفرهنگ.

۱۱- تبدیل زبان انگلیسی به زبان دوم و رایج کشور و اجباری کردن آن در همه دوره‌های آموزشی.

سیاست خارجی ملی و مترقی

سمتگیری ملی و ترقیخواهانه در سیاست خارجی برنامه ما، برینت-هایی متکی است که از دوران امیر کبیر آغاز شده، در جریان انقلاب مشروطیت و جنبش جنگل و پس از آن توسط جنبشها و شخصیت‌های ملی، دموکرات و سوسیال دموکرات قوام یافته، با نهضت ملی مصدقی اوج تازه-ای گرفته، و پس از آن، توسط نیروهای ملی- ترقیخواه ناوابسته به به بلوکهای جهانی تکامل یافته است.

سیاست خارجی برنامه ما، بر درک وضعیت کنونی کشور و تحولات جدید جهانی، و محاسبه امکانات واقعی و راه‌های موثر برای تأمین منافع ملی مردم ایران و تأمین نیازهای رشد شتابان اقتصادی - اجتماعی کشور متکی است.

سیاست خارجی برنامه ما بر درک همپیوندی های جهانی، ضرورت صلح، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری و همیاری سازنده در مناسبات بین‌المللی و ضرورت دفاع از حقوق بشر و از آزادی و بهروزی همه ملل جهان متکی است.

بر این پایه، سیاست خارجی برنامه ما اصول زیر را بکار میبندد:

۱- کاربست سیاست خارجی مستقل، ملی و مترقی، با مضمون دفاع از منافع ملی مردم ایران و حمایت از صلح و دموکراسی و عدالت در جهان.

۲- پرهیز قاطعانه از بلوک بندیهای سیاسی- نظامی و شرکت در جنبش غیر متممدها، با رعایت اکید اصول عدم تعهد.

۳- گسترش مناسبات دوستانه و همکاری و همیاری سازنده با همه کشورهای جهان، به ویژه بسط این مناسبات با کشورهای پیشرفته صنعتی با هدف بهره‌مندی از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی و تأمین امکانات ضرور برای رشد اقتصادی- اجتماعی کشور.

۴- کاربست شی مسالمت آمیز، مقتدر و موثر برای خنثی کردن گزایش ابر قدرتهای مداخله‌گر جهت کنترل رشد و اقتدار ایران و تحمیل زورمدارانه منافع و مقاصد خویش به کشور ما و کل منطقه. این شی مکمل سیاست ما در گسترش همه جانبه مناسبات سازنده و برابر حقوقانسه اقتصادی- سیاسی با دول فوق است.

۵- پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات با دیگر کشورها.

۶- دفاع از صلح و خلع سلاح در جهان، و تبدیل ایران به يسك عامل موثر صلح در منطقه.

۷- مبارزه در راه لغو پیمانهای امپریالیستی و بسیار خطر آفرین ناتو و ورشو، و در راه لغو دیگر بلوک بندیهای نظامی.

۸- مخالفت با مداخلات سیاسی- نظامی هر يك از دولتها در امور سایر ملتها.

۹- حمایت از سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی مدافع صلح و حقوق بشر.

۱۰- دفاع از منشور جهانی حقوق بشر، بیانیه پناهندگی مصوب سازمان ملل، تعهدنامه ژنو در باره حقوق پناهندگان و آوارگان و دفاع از منشور سازمان ملل علیه نازیسم و ایدئولوژیهای تمامیت کرا، در مناسبات با سایر کشورها.

۱۱- حل و فصل مشکلات بین ایران و همسایگان و تأمین صلح پایسدار میان ایران و عراق.

۱۲- حمایت از يك افغانستان آزاد و دموکراتیک و بدور از سیطره و نفوذ قدرتهای خارجی، گسترش همه جانبه همبستگی با کشور بسرادار و کمک به تقویت بنیه اقتصادی آن.

۱۳- گسترش مناسبات با خلقهای ایرانی تبار و همفرهنگ.

به مناسبت شصتمین سال خودکشی مایاکونفسکی

تایق عشق در پر خورد به هستی متلاشی شد



پتیه از صفحه ۸

شاعر کرد. در این خصوص در خاطرات خود چنین نوشته است: "از زندانیان خود متشکرم، آنها اشعار را به هنگام مرخص کردن من ضبط کردند. و گرنه احتمالاً چاپشان هم میکردم!"

مایاکونفسکی پس از دیدن یک دوره کوتاه در مدرسه عالی هنر مسکو، دوباره آواز به نوشتن کرد او هلیتریم سانور، آثاری علیه جنگ منتشر کرد: "برای شما! برای شما زبانه‌ها، شکمبارها، شربخواره‌ها، برای شما به قربانگاه بروم؟" انقلاب هدف آرمانی و خواسته سیاسی و ادبی او بود: "بپذیرم یا نپذیرم؟ چنین مسأله‌ای برای من اصلاً وجود نداشت. انقلاب مال من بود، او در اشعار و بیانیه‌ها و به عنوان مبلغ برای پیشبرد انقلاب مبارزه میکرد. این خصیصه در نمایشنامه "خواننده رازآمیز" که در سال ۱۹۱۸ منتشر شد، نمایان گردید. او با این نمایشنامه به تئاتر نرفت بلکه به کار خاتجیات بزرگ راه یافت و موفقیت بی‌اندازه‌ای کسب کرد. او نمی‌خواست "آثار کلاسیک" بنویسد بلکه فراخواند: "همه شما هنرپیشگان، کارگردانان، دکلمه‌کنندگان و ناشرین آینده "خواننده رازآمیز" همواره مضمون آن را تغییر دهید، با مضمون هر دوره منطبق کنید و خصلت روز بدان بخشید."

برای مایاکونفسکی همواره جنبه مضمونی هر بیان هنری در محور قرار داشت: "ما هرگز خود را به تضاد بر مبنای قوانین استیتک مشغول نکرده و مواضع را بی‌فکری خود راه ننمودیم. ما روشهای خود راه همانگونه که انقلاب در هر مرحله می‌تواند، از فعالیت تبلیغی اخذ کردیم." اما انقلاب همچنین می‌تواند "بازمانده کهنه را منسوخ کرده و برای افق فرهنگ نوین نبرد را بیافزاییم." مایاکونفسکی در مباحث فرهنگی سیاسی فعالانه مشارکت داشت. انتقادهای او نسبت به همکاران هنری یا ناسامانهایی اجتماعی - بخصوص در برابر هر شکلی از بوروکراتیسم و تحجر و دنباله‌روی، اغلب تند و مباحثه‌ای بودند. این نوع برخورد، خود را در شعر "بیاتی از گذرنامه شوروی" نشان میدهد (سال ۱۹۲۹): "من می‌خواستم کافز بازی و مقررات را از هم بدرم، من هر ورق مهر خورده را به سخره می‌گیرم. من هر پرونده و ورقه‌ای

کرده و آنجا دو سال چمباتمه زدم فقط برای آنکه این داد و قال را نشنوم"

اندریشه خودکشی به کرات در آثار او مطرح شده است. اغلب، قهرمان آثار او به دست خود کشته می‌شود. بسیاری از این قهرمانان خود مایاکونفسکی بودند.

مایاکونفسکی موضوعاتی را می‌دید و حس می‌کرد که دیگران هنوز قادر به دیدن آن نبودند. موضوعاتی که امید او را به انقلاب به یاس تبدیل می‌کرد.

زندگی او درست به خاطر این شکست خورد که تضاد میان هنر او و واقعیت اواخر دهه ۲۰ دیگر قادر به ادامه حیات نبود.

عشق نزد مایاکونفسکی مقوله همه‌جانبه‌ایست که زندگی و آفرینش هنری او را برمی‌انگیزد.

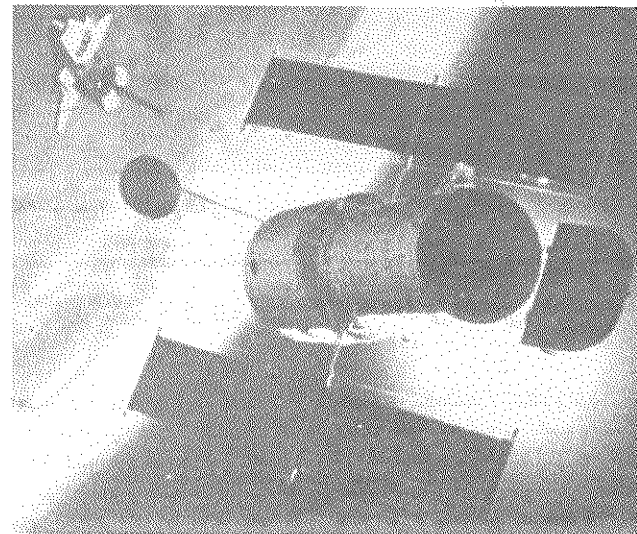
عشق جستجوی خوشبختی، تطابق گفتار و کردار، برجستگی فرد در اجتماع بدون برجستگی فردیت، انساندوستی و عشق به ممنوع است: "آیا عشق همه چیز را برای من از هستی بیرون می‌کشد؟ بلی، اما به نحو کاملاً دیگری. عشق زندگیست، مهم‌ترین چیز است. اشعار و اعمال هر چیز دیگر محصول عشق‌اند. عشق قلب هستی است. اگر عشق از کار بازایستد هر چیز دیگر بی‌جان، زاید و غیر قابل استفاده می‌شود. اما تا زمانی که قلب زنده است، قادر نیست از اظهار خود به هر کس و هر چیز اجتناب کند... اما اگر از "فعالیت باز ایستد، انسان مرده است... عشق با هیچ‌گونه "باید" و هیچ‌گونه "اجازه ندارد" تنظیم نمی‌شود و تنها در قایت آزاد با مجموعه جهان شکل می‌گیرد"

مایاکونفسکی طالب "یک انقلاب دیگر، سومین انقلاب روح" بود. فقط آنگاه امکان تغییر تفکر کهنه، رکود زندگی و واقعیت، اسارت انسانها در حیات روزمره و دنباله‌روی، وجود خواهد داشت که "سرزمین آزادی"، که در آن شعارهای انقلاب فرانسه آزادی، برادری، برابری به واقعیت پیوسته باشند. او به این ترتیب از تکامل اجتماعی پیشی جست و در تضاد با آن قرار گرفت. درست همین تضاد بود که انگیزه خودکشی او شد.

در مراسم بخاک سپاری مایاکونفسکی دهها هزار نفر در مسکو اجتماع کردند. اینجا نیز پیوند مردمی او آشکار شد. اما دشمنانش تلاش کردند او را از آگاهی هموعیتی تبعید کنند. در این وضعیت اوسپ بیریگ، دوست و ناشر آثار او در نامه‌ای سال ۱۹۳۵ به استالین رجوع کرد. استالین در پاسخ گفت: مایاکونفسکی مهمترین شاعر انقلاب است. با این گفته بسیاری از منتقدین مایاکونفسکی خاموش شده و اثر او از فراموشی و انزوا در امان ماند. اما از سوی دیگر او را تقدیس کردند، تحولی که نه خواسته شاعر بود و نه برای اخذ نتیجه سازنده از آثار او مفید.

پرتاب دوربین نجومی هابل به فضا که قرار بود روز سه‌شنبه ۱۰ آوریل به اجرا در آید، به سبب پاره‌های اشکالات جزئی برای یکی، دو هفته به تعویق افتاد. هابل گرانترین و به لحاظ تکنیکی پیچیده‌ترین ماهواره‌ای است که تا کنون برای تحقیقات فضایی ساخته شده است. کارشناسان اهمیت این دوربین نجومی پیچیده را با کشف اولین دوربین نجومی توسط گالیله قابل قیاس می‌دانند. هابل قرار است که کیهان‌شناسان را با ابعاد ناشناخته‌ای از کیهان آشنا کرده و آنها را قادر سازد که به گذشته و به "حواشی" کیهان نگاهی بیافکنند. در انجام این طرح عظیم که با همکاری مشترک کنسرن فضایی اروپا (ESA) و کنسرن فضایی آمریکا (NASA) اجرا می‌شود، شرکتها، موسسات و دانشگاههای بیشمار مشارکت دارند. دوربین نجومی هابل که قرار است دو روز پس از پرتاب به فضا از سفینه فضایی آمریکا جدا شده و در فاصله ۵۰۰ کیلومتری از زمین استقرار یابد، ۱/۵ میلیارد دلار هزینه در برداشته و به بزرگی یک اتوبوس می‌باشد. در صورتی که بادبان خورشیدی این ماهواره که دارای ۴۸۰۰۰ سلول خورشیدی است به طور خودکار باز نشود، باید دو تن از فضانوردان از سفینه فضایی خارج شده و این کار را با دست انجام دهند. پس از

مه، گرد و خاک و بخار آب و تعداد بیشماری ذرات کوچک دیگر در اطراف زمین انجام چنین کاری، غیرممکن است. تنها در خارج از جو زمین است که هابل قادر خواهد بود تصویری روشن و بی‌لک از جای کیهان ارائه دهد. در حالی که انسان در شرایطی که آسمان کاملاً صاف و روشن است، تنها می‌تواند ستارگان و سیاراتی را که در فاصله چندین میلیون سال نوری واقع شده‌اند، ببیند، دوربین نجومی هابل وی را قادر خواهد ساخت که اجرام نوری و ستارگان واقع شده در فاصله چندین میلیارد سال نوری از زمین را نیز مشاهده کند. یواخیم پرولس از دانشمندان رصدخانه بوخوم در آلمان غربی چشم‌اندازهای جدیدی که دوربین نجومی هابل بر روی هلم کیهان شناسی می‌گشاید را چنین شرح می‌دهد: "ما به عبارتی قادر می‌شویم که به گذشته نخب زنیم و کیهانشنا را در مراحل اولیه و میانی تکاملشان مورد پژوهش قرار دهیم." چنین کاری چگونه ممکن است؟ بهترین راه برای بررسی یک ستاره مطالعه و پژوهش درباره تشعشعات نوری آن است. نوریک ستاره که در فاصله ۲۰ میلیون سال نوری از زمین قرار گرفته باشد، زمانی به ما می‌رسد که ۲۰ میلیون سال نوری از تشعشع آن گذشته است. از این رو ما با مطالعه این نور نه با وضعیت کنونی ستاره مخروض بلکه



آخرین ناکامی فاجعه‌بار در پرتاب ماهواره این بار با آزمایشها و کنترل‌های فراوانی که انجام شده انتظار می‌رود که نارسایی و خللی در کار پیش‌نیاید و امید هلم کیهان شناسی برآورد. پس از غم‌ناک کار مقدماتی در فضا از پایان سال جاری کیهان شناسی می‌تواند با کمک هابل به نظاره کیهان بپردازند و از این رهگذر دانش یافته‌های خود را تکمیل تر و پررنگ کنند. دوربین نجومی هابل ساکنان زمین را با سیارات و کیهانشناسی آشنا خواهد کرد که تا کنون قابل رویت نبوده‌اند. انجام چنین کاری با کمک یک همدسی انجام می‌گیرد که برای اولین بار ساخته شده است. با دوربین هابل می‌توان سکه‌ای به قطر ۲۵ میلی‌متر را از فاصله ۳۰۰ کیلومتری تشخیص داد و یا نور برخاسته از یک گرم شبتاب را از فاصله ۶۰۰۰ کیلومتری مشاهده کرد. گرچه هابل از بهترین دوربین‌های نجومی که تا کنون ساخته شده کوچکتر است، لیکن قادر است که ۴۰ تا ۵۰ برابر بزرگتر از سایر دوربین‌ها ببیند. با این دوربین البته از زمین نمی‌توان به رصد کیهان پرداخت، زیرا که با وجود حفره‌های هوایی،

نگاهی به گذشته کیهان

ترجمه از Tageszeitung - بهمداد

را ضروری می‌سازد. به گفته پرولس با کمک دوربین نجومی هابل می‌توان قانونمندی نظم فضایی کیهانشنا را نیز مورد بررسی و پژوهش قرار داد. کیهانشنا یا در ترکیبی زنجیره‌وار نسبت به یکدیگر قرار دارند و یا با هم نایبی، یک انگشت خمیده را به نمایش می‌گذارند. این زنجیرها و یا انگشتان با هم مجموعه‌ای مترکم و یا فرا مترکم پدید می‌آورند که در نوع خود قابل پژوهش و مطالعه‌اند.

چه کسی و با چه هدفی اجازه خواهد داشت که با کمک دوربین نجومی هابل به نظاره "حاشیه" کیهان بپردازد و نوبتها چگونه میان افراد تقسیم می‌شوند؟ اتخاذ تصمیم در زمینه‌های فوق به یک گروه از کارشناسان بین‌المللی واگذار شده است. اجازه نگاه در دوربین بیش از همه منوط به اهمیت و سودمندی پژوهشی است که شخص داوطلب در دست انجام دارد. تا کنون با تقاضای بیشتر افرادی که برای سال اول اجازه نگاه در دوربین را خواستار شده‌اند، موافقت نشده است. نحوه و زمان فعالیت دوربین نجومی هابل با توجه به ۱۵۰ تقاضای ۳۰ کشور تا کنون سه بار مورد بررسی قرار گرفته است. با اینصورت با توجه به آنکه این دوربین احتمالاً ۱۰ تا ۱۵ سال به کار مشغول خواهد بود، تقریباً هر خواستاری اجازه خواهد یافت که از درون آن نگاهی به کیهان بیافکنند...

تصاویر دوربین هابل که بوسیله ماهواره‌های خبری به زمین ارسال می‌شوند، بر پرده تلویزیونهای مرکز مطالعاتی مرلینند ظاهر شده و ضبط خواهند شد. تقاضای که در کیهان برای پژوهش و مطالعه انتخاب می‌شوند، نباید بگونه‌ای باشند که برای رویت آنها جابجایی بسیار بزرگ دهانه دوربین لازم آید. دهانه این دوربین بویژه نباید هیچگاه رو به خورشید قرار گیرد، چرا که در چنین حالتی دستگاههای اندازه‌گیری فوق حساس آن برای همیشه از کار خواهند افتاد...

این روزها بر روی سیستمهای پیشرفته‌ای از تکنیکهای اندازه‌گیری و محاسبات کار می‌شود که قرار است در آتیه به دوربین هابل اضافه شوند. بر اساس برنامه اولیه پرواز، هابل می‌بایست اینک هفتمین سال گردش خرد به دور زمین را شروع کند. لیکن انبجار سفینه فضایی چالنجر این امر را به تعویق انداخت. حمل دوربین هابل به فضا تنها از سفینه فضایی آمریکا ساخته است، زیرا که هیچکدام از سفینه‌های دیگر قادر نیست جسمی به سنگینی دوربین هابل را به فضا ببرد. درازی هابل ۳۳ متر است و از قطری معادل ۴/۳ متر و وزنی برابر با ۱۱ تن برخوردار است. به گفته پرولس "همین عظمت دوربین است که آن را به کارهای عظیم قادر می‌سازد. هابل اجسامی را به ما می‌نمایاند که از وجودشان بی‌خبر بودیم و یا اکنون که آنها را می‌بینیم (به دلیل تاخیری معادل چندین میلیارد سال نوری در دریافت نور آنها) دیگر وجود خارجی ندارند."

* - سال نوری مسافتی است که نور برای پیمودن آن به یک سال وقت نیاز دارد به بیان همدی یک سال نوری (تقریباً برابر است با ده تریلیارد یعنی ده میلیون میلیون کیلومتر)

قطع جریان نفت شوروی به لیتوانی



تلسون ماندلا رهبر مبارزین ضد آپارتاید آفریقای جنوبی به اتفاق همسرش و بیبی ماندلا در یک کنسرت ضد آپارتاید در استادیوم ورزشی ویجیلی انگلستان. رهبران کنگره ملی آفریقاییک تعرض تبلیغی دیپلماتیک را برای عقب راندن نژادپرستان حاکم بر آفریقای جنوبی آغاز کرده اند.

یوری آفاناسیف حزب کمونیست شوروی را ترک کرد

این توم در جامعه است که حزب واقعا توانایی رفتم را دارد. آفاناسیف افزود حزب کمونیست شوروی مدتها پیش دچار انشقاق شده است و این جدایی اینک تنها نیازمند یک شکل رسمی است. چندی پیش کمیته مرکزی حزب در نامه سرگشاده‌ای از مخالفان درون حزب خواست یا انضباط حزبی را بپذیرند یا حزب را ترک کنند.

یوری آفاناسیف تاریخدان و رهبری گروه «پلاتفرم دموکراتیک» از عضویت در حزب کمونیست شوروی استعفا داد. وی که به همراه باریس یلتسین از مشهورترین مخالفان رهبری کنونی شوروی محسوب می‌شود، در توجیه خروج خود از حزب، از «وضعیت ناامید کننده» حزب کمونیست سخن گفت. آفاناسیف اظهار داشت: «ادامه ماندن در حزب کمونیست به معنای پراکندن

«پاسخ‌های مناسب» خواهد زد. وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده است دولت از حرکت استقلال طلبانه لیتوانی پشتیبانی می‌کند و افزوده است آمریکا هرگز الحاق لیتوانی، لتونی و استونی به شوروی را به رسمیت نشناخت. بیکر خواهان انجام مذاکرات میان شوروی و لیتوانی شد.

در شوروی، برخی نیروها و شخصیت‌ها خواهان برقراری حکومت مستقیم رئیس جمهوری اتحاد شوروی بر لیتوانی شده‌اند. در قانون اساسی جدید شوروی، پیش‌بینی شده است که در مواقع اضطراری، رئیس جمهوری بتواند مستقیماً اداره امور را در جمهوری مابعد بپذیرد.

لیتوانی، لتونی و استونی که در ساحل دریای بالتیک در شمال غربی شوروی قرار گرفته‌اند، تا سال ۱۹۴۵ کشورهای مستقل بودند و در این سال، به اتحاد شوروی ملحق شدند.

در حالیکه جریان نفت در لوله‌ای که به تنه پالایشگاه لیتوانی منتهی می‌شود قطع شده است، سه لوله از چهار لوله گاز نیز مسدود شده‌اند. در همین حال نیروگاه اتمی شهر ایگنالینای لیتوانی نیز به علت تعمیرات از کار افتاده است و پیش‌بینی می‌شود برق در جمهوری لیتوانی ظرف روزهای آتی قطع شود.

ویتاوتاس لاندس برگیس رئیس پارلمان لیتوانی اقدام شوروی را «جنگ اقتصادی علیه یک دولت دوست خواند» و آن را به منزله پذیرفتن استقلال لیتوانی نیز دانست.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته تهدید کرد اقدامات شوروی علیه لیتوانی می‌تواند برخی قراردادهای اقتصادی میان آمریکا و شوروی را به خطر بیافکند. جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده نیز گفت در صورت عملی شدن تهدیدهای شوروی علیه لیتوانی، واشنگتن دست به

بدنبال مقاومت جمهوری لیتوانی در برابر اتمام حجت رهبری شوروی، معاون وزیر صنایع گاز و نفت شوروی اعلام کرد از شامگاه چهارشنبه، جریان نفت به لیتوانی قطع شده و تحویل گاز به این جمهوری به میزان کمی کاهش یافته است.

نخست وزیر جمهوری لیتوانی، خانم کاریمیرا پرونسکین، در تلاش برای تامین سوخت مورد نیاز لیتوانی، به منظور مذاکره با دولت نروژ وارد اسلوشد.

اولتیماتوم مشترک گارباچف و ریشکف رئیس جمهور و نخست وزیر شوروی در روز جمعه ۱۳ آوریل حاکی از این بود که اگر لیتوانی ظرف ۴۸ ساعت دو قانون مبنی بر تحریم اهرام مشمولان خدمت وظیفه به ارتش شوروی و صدور شناسنامه‌های جدید برای ساکنان این جمهوری را لغو نکند، صدور مواد اساسی به لیتوانی قطع خواهد شد.



به دنبال قطع جریان نفت به لیتوانی، مواد سوختی در این جمهوری جیره بندی شد

نیکاراگوئه؛ توافق برای آتش بس

شروع کنند و تا دهم ژوئن به پایان برسانند. همچنین اعلام شد که طبق توافق دولت ساندینیستی و کنتره افراد مسلح ضد انقلاب در پنج منطقه کشور تجمع خواهند کرد و نیروهای دولتی فاصله‌ای برابر ۲۰ کیلومتر را از این مناطق حفظ خواهند نمود. همچنین هواپیماهای جنگی نیکاراگوئه پروازی بر فراز این مناطق انجام نخواهند داد.

دانیل اورتگا رئیس جمهور نیکاراگوئه اعلام کرد پست خود را طبق قرار قبلی در ۲۵ آوریل تسلیم چامورو خواهند نمود.

دولت ساندینیستی و شورشیان دست راستی نیکاراگوئه، پس از ۹ سال جنگ داخلی، در روز پنجشنبه گذشته در مورد «آتش بس قطعی و نهایی» به توافق رسیدند. طبق این توافق، آتش بس بلافاصله برقرار شد. توافق آتش بس در ماناگوآ به میانجی‌گری کاردینال ای. براوو توسط اومبرتو اورتگا وزیر دفاع نیکاراگوئه و رهبران کنتره امضای شد. در یک توافق جداگانه کنتره با نمایندگان ویولتا چامورو رئیس جمهور آینده نیکاراگوئه، شورشیان پذیرفتند که از هنگام آغاز دوره ریاست جمهوری چامورو در ۲۵ آوریل خلع سلاح خود را

به مناسبت شصتمین سال خودکشی مایاکوفسکی

تایق عشق در برخورد به هستی متلاشی شد

بر خورد به هستی متلاشی شد. مایاکوفسکی در ۱۹ ژوئیه ۱۸۹۳ بعنوان فرزند یک جنگلیان در گرجستان متولد شد. او از سال ۱۹۰۷ الی ۱۹۱۰ عضو کمیته بلشویکی مسکو بود. به هنگام کشف یک چاپخانه مخفی بازداشت شد و به زندان رفت. وی که در همان نوجوانی با ادبیات آشنا شده بود در زندان آغاز به سرودن برخی بقیه در صمحه ۷

شصت سال قبل، در ۱۴ آوریل سال ۱۹۳۰ شاعر شوروی، ولادیمیر مایاکوفسکی با شلیک یک گلوله به زندگی خود پایان داد. او در واپسین اثر خود بعنوان وداع چنین نوشت: «کسی را مسئول قلمداد نکنید و لطفاً از وراچی درباره‌اش خوداری کنید. متوفی از وراچی متنفر بود. چنان که میگویند: موضوع اکنون حل شده است، تایق عشق در

جنبش دموکراسی نپال صورت گرفت. بدنبال این مذاکرات، دبیر کل حزب کنگره نپال گفت:

«انتظارات مردم بسیار زیاد است و برآورده کردن آن دشوار، اما ما خواهیم کوشید آن را برآورده سازیم.»

وی افزود «نیروهای ارتجاهی که ظرف سی سال گذشته بر این کشور حکومت کرده‌اند خواهند کوشید تا دولت موقت را بی‌اقتدار کنند.» دبیر کل حزب کنگره تاکید کرد دولت جدید، مشروعهیت خود را از «انقلاب» گرفته است.

اولین پیروزی جنبش دموکراسی در نپال

درد و ۱۴ سال از عمر خود را به هلت فعالیت علیه استبداد در زندان گذرانده است. وی پس از معرفی اعضای پیشنهادی کابینه اش گفت انتظار ندارد هیچ یک از نامزدهای وزارت از سوی پادشاه رد شود. باتارائی اظهار داشت: «مسئله بر سر موافقت او نیست، بر سر خواست من است.» لیست کابینه باتارائی شامل سه عضو حزب کنگره، سه نماینده جبهه متحد چپ و سه شخصیت مستقل است.

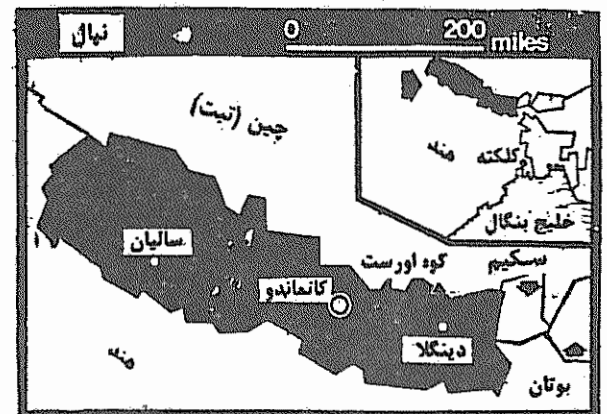
رهبری جنبش دموکراسی در نپال با حزب کنگره نپال که یک حزب میانه‌رو است، و نیز جبهه متحد چپ بود. این جبهه، ائتلافی از حزب کمونیست و چند گروه دیگر است.

در سال ۱۹۶۱، ماهندرا پدر پادشاه فعلی، فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع کرد. این اقدام، بدنبال دو سال حکومت حزب کنگره صورت گرفت. در آن زمان، پادشاه نپال دولت حزب کنگره را به اتمام فساد و ندانم کاری برکنار کرد. از آن پس، اداره کشور توسط یک نظام بدون احزاب موسوم به پانچایات یا شورا انجام می‌گرفت. پادشاه، رئیس کشور بود و علاوه بر انتصاب مستقیم یک پنجم از ۱۴۰ نماینده مجلس، تصویب کاندیداتوری مابقی اعضای شورا را نیز بر عهده داشت.

انتخاب اعضای دولت جدید بدنبال مذاکرات پنج ساعته رهبران اپوزیسیون در خانه گانش مان سینگ، چهره برجسته ۷۵ ساله

درد و ۱۴ سال از عمر خود را به هلت فعالیت علیه استبداد در زندان گذرانده است. وی پس از معرفی اعضای پیشنهادی کابینه اش گفت انتظار ندارد هیچ یک از نامزدهای وزارت از سوی پادشاه رد شود. باتارائی اظهار داشت: «مسئله بر سر موافقت او نیست، بر سر خواست من است.» لیست کابینه باتارائی شامل سه عضو حزب کنگره، سه نماینده جبهه متحد چپ و سه شخصیت مستقل است. لوکندر ابادهار چاند نخست وزیر پیشین نپال در هفته گذشته پس از تظاهرات بزرگ مردم در برابر مقر نخست‌وزیری، از کار برکنار شد. اپوزیسیون نپال خواهان محدود شدن نقش پادشاه ۴۴ ساله این کشور به یک نقش سمبلیک در

بدنبال چندین روز تظاهرات گسترده مردم نپال در کاتماندو پایتخت این کشور مرتفع هیمالایا بیرندرا پادشاه مستبد نپال تاجار شد کریشنا پراساد باتارائی، رهبر حزب کنگره نپال را که یک حزب ممنوعه بود، به نخست‌وزیری بگمارد. از پس سی سال استبداد، چهارشنبه گذشته باتارائی فهرست مشتمل فئودالیسم کابینه خود را به پادشاه معرفی کرد. نخست‌وزیر آینده نپال اعلام کرد در دولت جدید، خود عهده‌دار پست وزیر خارجه و وزیر دفاع خواهد بود. پیش از این، در هشتم آوریل، پادشاه نپال با یک عقب‌نشینی در برابر مردم ممنوعیت سی‌ساله احزاب سیاسی را در این کشور لغو کرده بود. نخست‌وزیر جدید نپال ۶۰ سال



<p>AKSARIYAT NO. 301 MONDAY 23. Apr. 1990</p>	<p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی، AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>یا جمع آوری کمک مالی فدانیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>